

سمبولیسم اجتماعی در سروده اینک دختری میهن من است سیمبولیسمی کو مه لایه تی له هو نراوه ی ئیستا کچیک نیشتمانمه The social symbol in the poem 'Now a girl is my homeland'

جیهاد شکری رشید^۱

^۱ بهشی زمانی فارسی، کولیتی زمان، زانکوی سه لاهه دین، شاری هه ولیر، هه ریمی کوردستان، عیراق

Corresponding author's e-mail: Jihad.rashid@su.edu.krd

چکیده

مکتب سمبولیسم از جمله مکاتبی است که با توجه به اوضاع و احوال جامعه وارد عرصه ی ادبی و داستان نویسی در ادبیات کردی شد و این مکتب دارای نشانه ها و اشاره های هنرمندانه ای است که مطالب را بر خواننده القا داده و او را در ابهام فرو می برد. شیرکو بیکس از جمله شاعران متعهدی است که در سروده «اینک دختری میهن من است» بیشترین توجه را به طرز بیان سمبولیسم در رابطه با مسائل اجتماعی داشته است. وی برای بیان مشکلات و آرمان های مردم، از زبانی سمبلیک و نمادین بهره برده است تا آنجا که این سروده را می توان آینه تمام نمای جامعه عصر وی دانست. در این پژوهش سعی بر آن است که به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی یکی از سروده های فاخر وی «اینک دختری میهن من است» به سمبل های شعری او با توجه به بستر سیاسی و اجتماعی عصر شاعر پرداخته شود تا از این طریق نشان داده شود که شاعر تا چه اندازه با زبان و بیان سمبلیک پایبند مسائل اجتماعی بوده است. نتایج آمده از این پژوهش نشان می دهد که شیرکو بیکس با بهره گیری از دو ویژگی بارز سمبولیسم اجتماعی یعنی نمادگرایی و جامعه گرایی در سروده «اینک دختری میهن من است» به توصیف شرایط عصر خویش پرداخته است و در این راستا از همه ی ظرفیت های زبانی و بیانی در نمادسازی استفاده کرده است و نقش عمده و به سزایی در طرح نمادپردازی سیاسی- اجتماعی ایفا می نماید تا آنجا که در اشعار وی نوعی روح تعهد و التزام به مسایل سیاسی و اجتماعی به چشم می خورد که در واقع بن مایه ی اصلی اثر اوست.

واژه های کلیدی: سمبولیسم، سمبولیسم اجتماعی، اینک دختری میهن من است، شیرکو.

گو فاری زانکوی هه نه بیجه: گو فاریکی زانسی ته کادیمی زانکوی هه نه بیجه ده ری ده کات	
DOI Link	http://doi.org/10.32410/huj-10483
رینکه و نه کان	رینکه و نه: ۲۰۲۲/۱۱/۱ رینکه و نه په سه ندردن: ۲۰۲۲/۱۲/۸ رینکه و نه بلا و کردنه وه: ۲۰۲۳/۹/۳۰
نیمه یی تویره	Jihad.rashid@su.edu.krd
مافی چاپ و بلا و کردنه وه	© ۲۰۲۳ پ.ی.د. جیهاد شکری رشید، گه یشتن بهم توئینه وه یه کراوه یه له ژیر په زامه ندی CCBY-NC_ND 4.0

رێبازی سیمبولیزم لەو رێبازانەیه که به پێی بارودۆخ و هه‌لومه‌رجی کۆمه‌ڵ هاته‌ ناو پانتای ئەده‌بی و چیرۆکنوسی ئەده‌بیاتی کوردیه‌وه. ئەم رێبازه‌ هه‌ندیک نیشانه و ئاماژه‌ی هونه‌رمه‌ندانه‌ی هه‌یه که باسه‌کان به‌ خوێنه‌ر ده‌گه‌ینێت و سه‌رسامی ده‌کات. شیرکو بێکه‌س له‌و شاعیره‌ ده‌روه‌ستانه‌یه له‌ هه‌لبه‌ستی (ئێستا کچیک نیشتمانه‌م) زۆرت‌رین سه‌رنجی داوه‌ته‌ شیوه‌ی ده‌ربڕینی سیمبولیزم له‌ په‌یوه‌ندی له‌گه‌ڵ مه‌سه‌له‌ کۆمه‌ڵایه‌تیه‌کاندا. ئەو بو‌ ده‌ربڕینی کیشه‌ و ئامانجه‌کانی خه‌ڵک له‌ زمانی سیمبولیک و په‌مزی که‌ڵکی وه‌رگرتوه‌، تا ئەو جێگایه‌ که‌ ده‌کرێ ب‌لێین ئەم هه‌لبه‌سته‌ ئاوینه‌ی بال‌نۆینی کۆمه‌ڵه‌ی سه‌رده‌می ئەوه‌. له‌م توێژینه‌وه‌یه‌دا هه‌ولده‌درێت، به‌ شیوه‌یه‌کی په‌س‌نی-شیکاری هه‌لبه‌ستی(ئێستا کچیک نیشتمانه‌م) سه‌ره‌نج بدرێته‌ سیمبو‌له‌ شعریه‌کانی ئەو به‌ پێی زه‌مینه‌ی سیاسی و کۆمه‌ڵایه‌تی سه‌رده‌می شاعیر تا له‌م رێگایه‌وه‌ نیشاند‌رێت که‌ شاعیر تا چ پاده‌یه‌ک به‌ زمان و ده‌ربڕینی سیمبولیک ده‌روه‌ستی مه‌سه‌له‌ کۆمه‌ڵایه‌تیه‌کان بووه‌. ئەنجامه‌کانی ئەم توێژینه‌وه‌یه‌ ده‌ریده‌خات که‌ شیرکو بێکه‌س به‌ سودوهرگرتن له‌ دوو تایبه‌تمه‌ندی به‌رجه‌سته‌ی سیمبولیزمی کۆمه‌ڵایه‌تی واتا (هێماخو‌ازی- کۆمه‌ڵخو‌ازی) له‌ هه‌لبه‌ستی (ئێستا کچیک نیشتمانه‌م) دا بارودۆخی سه‌رده‌می خو‌ی وه‌سف ده‌کات و له‌و پێناوه‌دا هه‌موو توانا‌ زمانی و ده‌ربڕینه‌ی کان له‌ هێماسازیدا به‌کارده‌ینێت. رۆڵیکی سه‌ره‌کی وگرنگ له‌ خسته‌په‌رووی هێمای سیاسی کۆمه‌ڵایه‌تی دا ده‌گێرێت، تا ئەو جێیه‌ی که‌ له‌ هه‌لبه‌ست و هۆنراوه‌کانی ئەودا جو‌رنیک ژبانی ده‌روه‌ست و پابه‌ندی به‌ مه‌سه‌له‌ سیاسی و کۆمه‌ڵایه‌تیه‌کان به‌ پوونی ده‌بێت‌رێت که‌ له‌ پاستیدا بناغه‌ی سه‌ره‌کی به‌ره‌مه‌کانی پێک ده‌ینێت.

وشه‌ سه‌ره‌کییه‌کان: سیمبولیزم، سیمبولیزمی کۆمه‌ڵایه‌تی، ئێستا کچیک نیشتمانه‌م، شیرکو.

Abstract

Symbolism appeared in Kurdish literature and story writing due to some social circumstances and conditions. This literary device has some artistic signs and metaphors that attract the reader. Sherko Bekas is one of the poets who shed the light on expressing symbolism and its connection with the social issues in his "Now a girl is my homeland". He tried to show the society problems and issues by using symbolism to a degree we can say his poem was the reflection of his society of that era. In this research will be shown by using an Analytical-Descriptive method the goals of symbolism that used to express the policy and the society of his time in order to consider how The poet by language and expression could shed the light on the social issues.

The result of this paper shows how Sherko Bekas by using the two features of symbolism (sings-society) in "Now a girl is my homeland" describes his era's circumstances in a way he used all his language skills to express the political and social issues clearly which are the typical base of his writings.

Key Words: symbolism, Social symbolism, "Now a girl is my homeland", Sherko.

ملخص

الرمزية الاجتماعية في شعر (الان فتاة هي موطني)

الرمزية ظهرت في الأدب الكردي وكتابة القصص تبعا لمجموعة من الظروف والحالات الاجتماعية. هذه الأداة الأدبية تحوي بعض الثنايا الفنية والمجازية بطريقة تشد القارئ لها. شيركو بيكس هو احد الشعراء الذي قام بتسليط الضوء على التعبير الرمزي وعلاقته مع قضايا المجتمع في شعر (الان فتاة هي موطني)، لقد حاول عرض مشاكل وقضايا المجتمع باستخدام الرمزية التعبيرية بطريقة يمكننا القول بأن شعره كان عبارة عن انعكاس مجتمعه والحقة الزمنية للمجتمع. في هذا البحث سوف يتم عرض اهداف الرمزية الاجتماعية عن طريق استخدام الطريقة الوصفية-التحليلية بطريقة تعبر عن السياسة والمجتمع في تلك الحقبة الزمنية للأخذ بنظر الاعتبار اسلوب الشاعر في اللغة والتعبير وكيفية تسليطه الضوء على القضايا الاجتماعية. نتيجة هذا البحث تبين كيف ان شيركو بيكس عن طريق استخدامه عناصر الرمزية (الاشارات- المجتمع) في شعره (الان فتاة هي موطني) قام بوصف ظروف عصره بطريقة استخدم فيها جميع مهاراته اللغوية لطرح القضايا الاجتماعية بكل وضوح والتي تعتبر اساس كتاباته.

الكلمات الرئيسية: الرمزية، الرمزية الاجتماعية، الآن فتاة هي موطني، شيركو.

١- مقدمة

سمبوليسم به عنوان يك مكتب از اواخر قرن نوزدهم، از سوی شاعران فرانسوی که از واقع-گرایی و زبان خشک نویسندگان رئالیسم به ستوه آمده بودند، پایه گذاری شد. سمبولیست-ها عقیده داشتند که اثر هنری باید تا حد امکان از صراحت و بیان مستقیم مفاهیم فرار کند و به نمادها و نشانه-ها پناه آورد (نک: چدویک، ۱۳۷۵: ۱۰). نمادها و نشانه-ها ذهن خواننده را در کشف راز و رمزهای اثر به تحرک وامی دارد. شيركو بيكس با بهره-گیری از ریشه-های فرهنگ و سنت گذشته و درآمیختن آن با شرایط سیاسی- اجتماعی زمانه-ی خود دست به نوآوری و ابتکار عمل زد. شيركو بيكس برای نمادهایی با معنای از پیش تعیین شده، کارکردهای جدیدی وضع کرد و با یاری زبان نمادین در شعر به طرح و بیان اندیشه-ها و انتقادات خود از مسایل سیاسی- اجتماعی پرداخت که در نهایت منجر به شکل-گیری جریان سمبولیسم اجتماعی در شعر معاصر کردی گردید. نمادپردازی در ادبیات کردی، پدیده-ای نو نیست بلکه پیشینه ای دیرینه و بس گسترده دارد. اما شاعران کلاسیک از جمله؛ جزیری، محوی، نالی، برای بیان مفاهیم عرفانی و صوفیانه از نماد استفاده فراوانی کرده اند. از این رو، اگر چه مكتب ادبی سمبولیسم از اروپا آغاز شد، با این وجود ردپای آن در ادبیات کلاسیک کردی نیز آشکار است. در ادبیات کردی، با رواج ادبیات صوفیانه و عرفانی نمادگرایی رونق یافت و رو به گسترش نهاد. اما در دوره معاصر در ادبیات کردی، گرایش-ها و جریان-های گوناگونی در شعر معاصر رخ نمود. یکی از مهم ترین و معروف ترین این جریان-ها «سمبولیسم اجتماعی» است. در این جریان با شاعرانی همچون؛ لطیف هلمهت، عبدالله پشیو، شيركو بيكس، مویطیب و.... مواجه هستیم که عمده توجه آن-ها به مسائل سیاسی و اجتماعی و مشکلات و آرمان-های مردم است. یکی از دلایل عمده-ی گرایش شاعران به نمادپردازی و سخن رمزآلود، علاوه بر تنوع و فراخی دامنه-ی معانی نماد، شرایط و اوضاع اجتماعی خفقان-آور بوده است. در عراق در زمان رژیم بعث، استبداد سیاسی و اعمال حاکمیت مطلق در همه شؤون مملکتی حکمفرما بود و به تبع سایر امور مملکتی بر مطبوعات کشوری نیز نظارت شدیدی اعمال می-شد. بنابراین تمام انتقادات قانونی- اجتماعی با مخالفت روبه-رو بود و به دنبال این مسایل، سمبول سازی معمول شد اما آن-چه بیشتر مورد توجه شاعران معاصر برخلاف شاعران کلاسیک قرار گرفت، نمادگرایی با صبغه-ای اجتماعی است که مقوله-ای است نو از این رو، می-توان گفت که ادبیات معاصر کردی، از حوزه-ی نفوذ و تأثیر مكتب سمبولیسم به دور نمانده است؛ تا آنجا که یکی از خاستگاهها و سرچشمه-های مهم جریان شعری سمبولیسم اجتماعی کردی، مكتب سمبولیسم اروپایی قلمداد شده است. به نظر نگارنده شيركو بيكس بیان گذار و نماینده-ی واقعی این جریان شعری است و شعر «اینک دختری نیشتمان من است» او نخستین تجربه

از این دست در شعر معاصر کوردی است. شیرکو به منظور گسترش عمق و عرصه-ی معنا در اشعارش از نماد بهره-ی فراوانی برده است و نمادپردازی از ویژگی-های اساسی شعر او گشته است. وی در کاربرد نمادپردازی بسیار آگاهانه و متفکرانه تلاش کرده است تا نمادهای تکراری ادبیات کلاسیک را متحول کند و در معناهای تازه به کار برد. وی با زبانی سمبلیک و تأویل بردار، مسایل سیاسی-اجتماعی زمانه-ی خویش را در شعر منعکس می-کند و به سمت نوعی شعر متفکرانه با مایه-ها و محتوای سیاسی و اجتماعی و زبانی نمادین و قالبی نو سوق می-دهد و با تألیف آثاری همچون؛ اینک دختری میه من است، پرتو شعر، کجاوه شیون، کاوه آهنگر، آهو، رودبار، کشکول پیشمرگه، حماسه عقاب سرخ، آینه‌های کوچک، دود و مه، دره پروانه، مرغزار زخم، مرغزار آفتاب، صلیب و مار و روزشمار یک شاعر، بوی نامه، چراغهایی بر فراز قله، سایه، زن و باران، رنگدان، مردی از درخت سیب، با جرعه‌ای بوسه دوباره پروازم می‌دهی، اسبی از گلبرگ شقایق، بجنب مُردن در شُرف رسیدن است و....، نوع خاصی از شعر را پی می-افکند و جریانی خاص را در شعر کوردی به راه می-اندازد که می-توان به جریان سمبولیسم اجتماعی یا شعر نو حماسی و اجتماعی یاد کرد. آن گاه که بسیاری از اشعار شیرکو را مورد بررسی قرار می‌دهیم این حقیقت بر ما آشکار می‌شود که اشعار او، از نام و عنوان آن-ها گرفته تا اجزا و عناصر اصلی تشکیل دهنده-ی آن-ها، دارای مفاهیم نمادین هستند و ناظر به حقایق برتر و والاتر از معانی واژگانی و تحت اللفظی می-باشد.

۱-۱- ضرورت و اهمیت پژوهش

بررسی سمبولیسم اجتماعی در سروده-های شیرکو بیکس می-تواند راهگشایی باشد:

- جهت آشنایی بهتر با ارتقای درک و دریافت اندیشه-ی شیرکو از طریق شناخت نمادهای شعری او.
- شناخت بهتر رویدادهای تاریخی از طریق نمادهای شعری این شاعر.
- درک بهتر سروده-های شیرکو و تبیین بهتر روند تحولات ادبی این شاعر باشد.
- با این پژوهش می-توان به شناخت بهتری از این سروده به ویژه از منظر سمبولیسم اجتماعی و جامعه شناسی ادبیات دست یافت.
- با این وجود با شناخت زمینه-های فکری و عقیدتی و تحولات سیاسی-اجتماعی عصر شاعر می-توان به درک و فهم و تفسیر درست آثار شیرکو رسید. علاوه بر آن، محوریت یافتن معنا یا مفهومی خاص در آثار شیرکو نیز ما را به درک معنای خواسته شده-ی شاعر رهنمون می-کند. زیرا یافتن قرینه-ها یا کلیدهای گشایش رمز یکی دیگر از مواردی است که به کمک آن می-توان دریافت که کلمات و تعابیر در معنای ظاهری خود به کار رفته-اند یا معنایی نهفته دارند.

۲-۱- اهداف پژوهش

شیرکو در پی خفقان سیاسی و اقتصادی زمانه-ی خود، به وسیله-ی نماد، کنایه و تحقیر، به بیان غیر مستقیم حقایق تاریخی و واقعیت-های اجتماعی پرداخته است و هدف ارائه-ی تصویری دقیق و جامع از مکتب رئالیسم و سمبولیسم و نمودار کردن شگردهای شیرکو بیکس در ابهام گویی حقایق و نقد اوضاع اجتماعی است. پژوهشگر در این پژوهش با تکیه بر مبانی نمادپردازی در حوزه-های مختلف روانشناسانه، ناتورالیستانه، اجتماعی و سیاسی و ... بر این باور است که نمود نمادهای سیاسی-اجتماعی آثار شیرکو برجسته تر از نمادهای روانشناسانه و طبعیت گرایانه است و شیرکو بیکس سعی داشته است تا با به کارگیری واژگان و اصطلاحات در مفاهیم نمادین، اوضاع سیاسی و اجتماعی خود را به تصویر بکشد. نگارنده با توجه به این مسئله و با عنایت به فقدان پژوهش لازم در حوزه کشف و تحلیل نمادهای آثار وی، سعی دارد نمادهای اجتماعی-سیاسی آثار شیرکو را بررسی کرده، تعابیر و گزاره-های نمادین آن را با توجه به قرائن و امارات درون متنی، تأویل کند.

۳-۱- روش پژوهش

این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است بدین صورت که پس از مطالعه و انتخاب نمونه شعرهای مرتبط با موضوع داده های عناصر اصلی تشکیل دهنده سمبولیسم اجتماعی در شعر شیرکو بیکس مورد بررسی قرار گرفته و از سایر پژوهش-های همسو برای عینیت بخشیدن به مسایل مطرح شده در راستای فرضیه های ارائه شده استفاده شده است. از نظر هدف این پژوهش، پژوهشی بنیادی نظری است.

۴-۱- طرح بیان مساله

این پژوهش در پی آن است تا با تحلیل داده-ها به سؤالات زیر پاسخ دهد:

- (۱) عوامل اجتماعی و سیاسی به چه میزان در شعر شیرکو بیکس و گرایش او به سمت سمبولیسم تأثیرگذار بوده است؟
- (۲) افکار شیرکو تا چه اندازه برگرفته از محیط پیرامون خویش بوده است و نمادهای به کاررفته چه تأثیرات هنری و ادبی داشته است؟
- (۳) برخورد شیرکو با تحولات اجتماعی عصر خویش تا چه اندازه در شیوه بیان سمبولیسم اجتماعی وی تأثیرگذار بوده است؟

۵-۱- فرضیه پژوهش

- زبان و بیان شیرکو بیکس متأثر از مکتب سمبولیسم است و هنجارگریزی-های شیرکو در بستر فکر و اندیشه ناشی از طبع ناسازگار او با شرایط زمانه است.
- شعر شیرکو رنگ زمانه را با صراحت و شفافیت بیشتری به واسطه کاربرد نمادها نمایان ساخته که این امر در مواردی به شعار نیز انجامیده است.
- جریان سمبولیسم اجتماعی در اشعار شیرکو نوعی شعری است با محتوایی اجتماعی واقع بینانه و روشن بینانه که هدف او بالابردن ادراک و بینش هنری و اجتماعی است و غالباً پیامی اجتماعی و انسانی در آن بازگو می-شود.
- در اشعار شیرکو عناصر گوناگونی به صورت نمادین جلوه-گر شده-اند که این عناصر محملی شده-اند برای القای معانی و مفاهیم متنوع، از جمله مفاهیم سیاسی و اجتماعی.

۲- بحث و بررسی

۱-۲- سمبولیسم

سمبولیسم در اصطلاح «نام مکتبی از مکاتب ادبی اروپاست که تاریخ پیدایش آن از قرن نوزدهم و پس از مکاتبی چون کلاسیسم، رمانتیسم، رئالیسم و ناتورالیسم است. این مکتب بر اساس برملاشدن وصف حال از طریق یک سلسله رمزگشایی و تأویل بنا نهاده شده است» (چدویک، ۱۳۷۵: ۱۰) و هدف عمده-ی پیروانش، القای تجربه-های درونی با استفاده از زبان نمادین بود. این مکتب ادبی، در اواخر سده-ی نوزدهم میلادی به ابتکار گروهی از شاعران فرانسوی بوجود آمد و سپس دامنه-ی نفوذ آن به داستان، نمایش-نامه هم کشیده شد. از میان برجسته-ترین شاعران سمبولیسم، می توان از بودلر (Baudelaire)، مالارمه (Mallarmé)، ورلن (Verlaine)، و رمبو (Rimbaud) نام برد. (انوشه، ۱۳۷۶: ۸۲۶). این مکتب را «می-توان هنر بیان افکار و عواطف نه از راه شرح مستقیم و نه به وسیله-ی تشبیه آشکار آن افکار و عواطف به تصویرهای عینی و ملموس، بلکه از طریق اشاره به چگونگی آنها و استفاده از نمادهای بی توضیح برای ایجاد آن عواطف و افکار در ذهن خواننده دانست» (همان: ۱۱-۱۲). آنچه مکتب سمبولیسم را از دیگر مکاتب ادبی متمایز می کند عبارت است از «بیان افکار و عواطف از طریق استفاده از نمادهای عمومی و نمادهای شخصی، نیاز به رمزگشایی و درک و دریافت مشکل اشعار، توجه به آهنگ و موسیقی کلمات، گریز از واقعیت و عینیت، عدم توجه به مسایل سیاسی و اجتماعی و عدم اعتقاد به تعهد و رسالت اجتماعی شعر و گرایش به شعر ناب و محض، عدم اعتقاد به جنبه-های تعلیمی و آموزندگی ادبیات و شعر و ترجیح

- تصور و تخیل بر تفکر و تعقل» (حسین - پورجافی، ۱۳۸۴: ۱۹۷) این مکتب اساساً دارای ویژگی-هایی است که جا دارد به آن اشاره شود:
- «بیان مکنونات ذهنی و عاطفی شاعر با استفاده از نمادهای فردی، ملی و جهانی.
 - بی توجهی به جنبه-ی تعلیمی شعر و ترجیح تصور و تخیل بر تعقل و اندیشه.
 - بی توجهی به شعر متعهد و شعر سیاسی و اجتماعی.
 - توجه به موسیقی کلمات و گریز از سنت-های کلاسیم ادبی» (رزقانی، ۱۳۸۳: ۵۳۳).

در نظر سمبولیست-ها، همیشه دلیلی ادبی برای حضور نمادها وجود داشته است، زیرا به باور آن-ها، نمادها یا با چیزی در زندگی بشری تطابق دارند یا نماینگر آن هستند و یا اصلاً با آن مشابه-اند. از این رو، به عقیده-ی آنان، هرگاه نویسنده صورت خیالی یا شی-ای از جهان پیرامون خود را به کار می-برد، آن را به صورت نمادین درآورده است (نک: فرای، ۱۳۶۳: ۳۸) که «از دیرباز، ابزاری بیان اندیشه-ها و عواطف بشری بوده-اند و روانکاوان بر این نکته تأکید دارند که منشأ تفکر بشری قبل از هرچیز، در افسانه-ها نهفته شده و به وسیله-ی سمبل-ها بیان گردیده است» (امامی، ۱۳۷۷: ۱۴۵).

۲-۲- سمبولیسم اجتماعی در ادبیات کردی

۱) جریان سمبولیسم اجتماعی از شاخص-ترین و مهم-ترین جریان-های سده-ی کنونی شعر کردی است. شعر در اغلب شاعران معاصر کرد، اندیشمندانه و متعهد به انسان اجتماعی است. اما باید به خاطر داشت که شعر اجتماعی و بیان آمل- و دردهای یک جامعه بدون تردید به عهد کلاسیک برمی-گردد، اما شیوه-ی بیان شاعران کلاسیک شتاب زده و سطحی بود و می-توان گفت بیان شاعران این عهد به واقعیت نزدیک بود، اما گرایش به رعایت اصول سمبولیسم و پیچیده-تر شدن نمادها و شدت تخیل در شعر باعث متمایز شدن آن شد. سمبولیک یا شعر نمادی از جریانی مهم شعر معاصر کردی است که شاعران و نویسندگان بسیاری از این شیوه به عنوان ابزاری به منظور انعکاس غیرمستقیم اندیشه-های سیاسی و اجتماعی خود به مخاطبان بهره می برند و از نظر منتقدان، استبداد و خفقان حاکم بر فضای جامعه و نیز آشنایی شاعران با مکاتب غربی از عوامل گرایش به این مکتب بوده است سمبولیسم اجتماعی جریانی است که نسبت به آرمانهای انسانی و اخلاقی، خود را متعد و مسئول می-دانند و برای شعر مسئولیت و رسالت اجتماعی و سیاسی قائل است. این جریان از محصول آشنایی شاعران با مکتب سمبولیسم و تأثیرپذیری از آن و از سوی دیگر حاصل شرایط اجتماعی و سیاسی خاصی است که شاعران در آن زیسته-اند. مکتب سمبولیسم از جمله مکاتبی است که با توجه به اوضاع و احوال جامعه وارد عرصه-ی ادبی و داستان نویسی در ادبیات کردی شد و این مکتب نشانه-ها و اشاره-های هنرمندانه-ای است که مطالب را بر خواننده القا داده و او را در ابهام فرو می-برد. عبدالله پشیو، شیرکو بیکس، موید طیب و بختیار علی از شاعران و داستان نویسان معاصر پر ادبیات کردی هستند که قالب قصصی را برای بیان ضعف اوضاع اجتماعی، سیاسی جامعه برگزیدند و در مکتب واقع-گرایی و نمادگرایی، اسلوبی جدید و مضامینی نو را به تصویر کشیدند. ملت کرد از جمله ملت-هایی است که در طول تاریخ دستخوش حوادث اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی شده-اند. شعر اجتماعی به نوعی پیام آور ژرف اندیشی، نازک بینی، نمود زیبایی و التذاذ درک مسائل مورد توجه انسان بوده و هست و غنی-ترین دستاورد شعر کردی مسایل معرفتی و اجتماعی است و رویکرد شیرکو به موضوعات اجتماعی بیشتر بوده است تا نگاهی به بیان عواطف شخصی و مقوله-های فردی. مکتب-های اروپایی موازی با این تحولات در دوران معاصر، نفوذ خود را در عرصه-ی ادبیات، هموار کرد و در آثار اغلب شاعران و نویسندگان معاصر می-توان جلوه-هایی از تأثیر این مکتب ادبی را یافت. هدف مکتب رئالیسم اجتماعی و سمبولیسم، رواج واقعیت-گرایی، بیان حقایق، انتقاد از حکومت استبدادگر و دفاع از مردم ستمدیده است که به دلیل امنیتی، اغلب شاعران و نویسندگان ترجیح دادند تا با رمز و نماد آن-ها را بیان کنند. در این میان شیرکو از جمله شاعرانی است که نگرش واقع گرایی را سمبل در اشعارش به زیبایی نشان می-دهد. وی از جمله شاعران جامعه-گرای آگاه زمانه-ی خویش است که توانست در عین نوآوری در زبان و

بیان شعری، رسالت اصلی خویش را که تعهد در برابر مردم و اجتماع است به زبانی نمادین بیان کند تا آنجا که اشعار او به شعری انسانی و جهانی با مضمون تفکرات فلسفی و اجتماعی تبدیل شود و توانست پیوندی عمیق با لایه-های مختلف انسان و اجتماع ملت خویش و به دنبال آن، انسان و اجتماع جهانی برقرار کند. شیرکو با سرودن اشعار خود، تعهد به اجتماع را اساس شعر خود قرار داد و توجه به اجتماع و سیاست را به عنوان یک اصل مطرح کرد و رسماً یک دید اجتماعی به شعر بخشید، و با چنین نگرشی توانست به شعر کوردی، جریانی نو در بستر شعر معاصر ایجاد کند که مهم ترین جریان شعری معاصر در ادبیات کردی گشت. تا آنجا که این جریان به لحاظ رویکردهای متفاوت زبانی و محتوایی با شعر کلاسیک کردی با عنوان جریان شعر نو شناخته شده است که می توان این جریان را به عنوان جریان شعر سمبولیسم اجتماعی مطرح کرد.

۲-۳- بررسی سمبولیسم اجتماعی در اشعار شیرکو

شیرکو در زمره-ی شاعران معاصر است در ادبیات کردی که در بین مردم حضور دارد و به بیان رخداد های اجتماعی سرزمین خود تمایل بیشتری نشان می-دهد. شرایط سیاسی و اجتماعی تأثیر بسزایی در خلق بسیاری از سمبل-ها و نمادهای شعر او داشته است. وضعیت حاکم در زمان رژیم بعث و ستم-های بی شماری که این رژیم بر سر آزادی خواهان روداشت و همچنین خفقان و استقرار بی عدالتی و ظلم در جامعه-ی بحران زده-ی آن عصر، همه و همه شیرکو بیکس را متأثر ساخت و او را داشت تا بر اقتضای زمان و مصلحت به زبان سمبولیک و نمادین روی آورد و از این طریق فضای اجتماعی و سیاسی دوران خویش را به تصویر بکشد. البته غیر از شرایط رژیم بعث، حوادث و اتفاقات بعد از رژیم بعث همچنین جنگ داخلی نیز مورد توجه شاعر بوده و بخشی از نمادهای اشعار او مربوط به این واقعه است. شیرکو با نگاهی انتقادی بر بسیاری از وقایع و اتفاقات جامعه خویش، به علت جایگاه شغلی خود به عنوان وزیر فرهنگ و قوف داشته است، پس از آن هر جا که عملی را مغایر با اصول تفکری خود ملاحظه نموده با طبع منقد و طنز خود به بیان آن پرداخته است. وی از جمله شاعران نوآور و متعهد معاصر است که نمی توانست نسبت به واقعیت جامعه بی تفاوت باشد. گیر و گرفتهای سیاسی و اجتماعی جوامع دربند، خفقان-های سیاسی و اجتماعی، فقر، جنگ، برادر کشی، بی عدالتی و تبعیض، همه و همه باعث گردیده تا شیرکو نگاه-های پیشین شعر را تغییر داده و آن را به سمت نگاهی مردمی و نمادین چرخانده، و شعر نمادگرا را ابزار و سلاخی سازد برای رویارویی با این معضلات. در این پژوهش از میان دفاتر گوناگون شعری وی، به بررسی سروده اینک دختری میهن است خواهیم پرداخت. شیرکو نماد را وسیله-ی بیان احساسات، عقاید، تخیلات و ... خود قرار می-دهد. و در این رهگذر، شیرکو بنا به مقتضای زمان و مکانی که در آن به سر می-برد، از عناصر مختلفی برای بیان سمبولیک احوال درونی خود و ترسیم اوضاع جامعه-ی خویش کمک می-گیرد. سمبلها در اشعار وی بنا بر دل بستگی و آشنایی با فرهنگ کلاسیک فرهنگ کشورهای دیگر، موقعیت-های خاص اجتماعی، احوال درونی و عوامل متعدد دیگری، نمود تازه-ای یافته-اند. برگزیدن زبان نمادین و سمبولیک از سوی شیرکو افزون بر عوامل سیاسی و اجتماعی و استبداد شدید حاکم بر فضای جامعه، ناشی از آشنایی او با مکتب-ها و جریان-های شعری غرب، افزون به عمق شعر، آفرینش ابهام هنری، تأثیر در مخاطب و سرانجام، حرکت شعر از تک معنایی و واداشتن خواننده به تأمل بر معنا و مفهوم شعر است. سروده اینک دختری میهن من است ترسیم آمیزه-ای از تعهد اجتماعی و هنر شاعری شیرکو به شمار می-رود. شاعر در این سروده از طریق سمبل-ها، کنایات و روابط حاکم بر آنها، مفاهیم مورد نظر را بر خواننده القا می-کند. به گونه-ای که هر کدام از عناصر مختلف طبیعی، جانوری، غیرجاندار، ... در جایگاهی نمادین قرار گرفته-اند و می-توانند محملی باشند برای القای معانی متنوع از جمله مفاهیم اجتماعی و سیاسی. حال از زوایای سمبولیسم اجتماعی و توجه بدین امر که چه عناصر و موضوعاتی به صورت برجسته در سروده-ی وی کاربردی نمادین یافته-اند، اشاره می-شود:

۱-۳-۲- عناصر طبیعی

طبیعت از عناصر مهمی است که بهترین دستمایه و غنی ترین منابع را برای نمادپردازی در اختیار شاعر و نویسنده نهاده است (فتوحی، ۱۳۸۹: ۱۹۰). شیرکو شاعری است که نمودهای طبیعت و زندگانی را در نگرشی به درون و برون در هاله-ای از اندوه و درد و رنج می-بیند و همه جا را سرشار از اضطراب و تباهی می-یابد و دچار یأس و ناامیدی است. شیرکو برای بیان اندیشه-ها و حالات حسی خویش در قالب سمبلیک، از عناصر متعهدی بهره می-برد. دایره-ی عناصر طبیعی نمادین در اشعار شیرکو به ویژه با بار معنایی سیاسی، اجتماعی، شامل موارد متنوعی است که به آن-ها پرداخته می شود:

۱-۱-۳-۲- ابر

شیرکو به تلفیق محیط برون و درون می-پردازد و به شیوه-ی عملکرد سمبولیست-ها از روح و احساس خود در آن می-دمد. وی با احساس مسئولیت پذیری در برابر جامعه و به کارگیری زبان نمادین می کوشد تا وضعیت حاکم بر جامعه خود را بهتر ترسیم کند و مسائل اجتماعی و پیامدهای آن را در سروده-های خود منعکس کند. ابر انسان-شده-ی شیرکو بیکس، ابری است غمگسار، همزاد، همدرد و هم-صدای شاعر و حاکی غم و درد و داغ دل است و هم دردی و هم نوایی با اقتضای جامعه-ی سوگوار شاعر است:

«در خیابان سهول ایستاده-ام/ گرچه اینجا ایستاده-ام، اما من ابر غصه و / (باد) پرسش این مملکت. هر روزی چندین بار/ به فریاد غربت تبدیل می-شوم و در سینه-هایتان می-وزم». (شیرکو، ۲۰۱۲: ۱۸۲)

و در ادامه شیرکو جلوه-های ظاهری ابر را کنار می-زند تا عمق و حقیقتی دیگر را به مخاطب نشان دهد. چنانچه ابر بیانگر حسرت-ها و مصیبت-ها و ناکامی-های روزگاران، زار زار می-گرید و می-بارد. از اینرو، ابر را زنگاری بر پهنای آسمان می-بیند که جز تاریکی و پوشاندن چهره-ی روشن خاصیتی ندارد:

«هر شب چندین بار، باران قصیده می-شوم و / بر غمهایتان می-بارم». (شیرکو، ۲۰۱۲: ۱۸۲)

شیرکو بیکس بر حسب استعداد هنری و جهان بینی خویش، به باز سازی و تقلید از طبیعت می-پردازد و گاه مضمون واحدی را به عنوان خمیرمایه-ای مشترک در ذهن و زبان خود دنبال و آن را بازآفرینی می-کند. البته یک از عوامل موجد زیبایی در شعر شیرکو، تصویرگرایی و قابلیت تجسم، انواع حس و حال دادن-ها به کلام، از طریق جاندار انگاری و استفاده از دیالوگ در شعر و بهره بردن از صور خیال است.

۲-۱-۳-۲- آفتاب

عنصر آفتاب، نمونه-ی دیگری از اشعار سمبولیستی است. آفتاب در تخیل شاعر قاصدی است که مایه-ی حیات و ندا دهنده-ی امیدواری و دلنوازی است و هر لحظه عشق به زندگی را تداعی می کند و شاعر بر این باور و امید است که آفتابی که بودنش نماد زندگی و نبود او نشان مرگ است، درست مانند باورهای عمیق دینی و پیوندهای درست حقیقت ستایی که آفتاب از طرف آینده بیاید بر این جامعه آشفته و غم زده بتابد:

«من اکنون همیشه در عزایم/ عزای گلهایم/ عزای آب/ عزای جنگل/ ولی هربار نیز آفتابی قاصد/ از طرف آینده می-آید و دست به گردنم می-اندازد و/ مرا دلنوازی می دهد و به من می-گوید: غم مخور/ همیشه اینگونه تاریک و افسرده نخواهی بود. غم مخور/ مرا داری» (شیرکو، ۲۰۱۲: ۵۱).

از آنجایی که «نمادها خاستگاه معنایی ندارند و بیشتر تابع ذهنیات و طرز تلقی شاعر و نویسنده هستند. در عین حال بهترین نمادها در آثار ادبی با استعانت از قدرت خلاق نویسنده و شاعر به وجود می-آید و راجع به موضوعی که باعث خلق نماد شده است مفهوم

موثرتری می-یابد» (داد، ۱۳۷۵: ۳۰۱) شیرکو بیکس هم در سروده زیر از آزادی با عنوان خورشید یاد کرده است که نماینگر استعانت از قدرت خلاق اوست که خاستگاه معنایی خاصی پیدا کرده است:

«در من / بیزاری به قدری متراکم گردیده / خود را می-بینم بیشه-ای هستم و / گودالی در سایه سارم که / تاری از خورشید نمی رسدم» (شیرکو، ۲۰۱۲: ۱۲).

آنچه از کاربرد سمبل-ها در سروده شیرکو قابل تأمل است، اغلب سمبل-ها به صورت هنری برای بیان افکار و عواطف مخاطبین در هاله-ای از ابهام است، یعنی شیرکو نه از راه مستقیم و نه به وسیله-ی تشبیه آشکار آن افکار و عواطف را به تصویرهای عینی و ملموس بلکه از طریق اشاره و غیرمستقیم در معرض دید قرار می-دهد.

۲-۳-۱-۳-۲ باد

یکی از نمادهایی که در شعر شیرکو بسیار به کار رفته، سمبل باد است. این سمبل که در اشعار شیرکو نمود بیشتری دارد، باعث خلق مضامین بسیاری شده است و به دلیل نگرش خاص او، منش اجتماعی و کنش-های سیاسی شاعر، کارکردی جدید می-یابد. باد؛ نمادی است که چندین وجه دارد، به دلیل انقلاب درونی-اش؛ نماد بی-ثباتی، ناپایداری و بی استحکامی است. از سوی دیگر باد مترادف با نفخه است و در نتیجه با روح و جوهر روحی از مبدأ الهی مترادف است. از اینجاست که زیور، همچون قرآن، باد را پیک الهی و همسنگ فرشتگان می داند (شوالیه و گربان، ۱۳۸۸: ۶). البته اغلب «در شعر معاصر سمبل ویرانگری، خرابی، هرج و مرج و در نهایت دگرگونگی است» (پورنامداریان و خسروی شکیب، ۱۳۸۷: ۱۵۲-۱۵۳). اما این پدیده طبیعی در شعر شیرکو؛ گاهی تصویرهای مثبت در قالب باد، تندباد، گردباد و طوفان از آن ارائه می-شود و به شکل های مختلفی که آمیخته-ای از باورهای اساطیری و جریان نمادگرایی اجتماعی است، در شعر شیرکو تجلی می-یابد به گونه ای که گاهی عامل مرگ و نابودی و رمز ظلم و ستم حاکم بر جامعه است:

«اما قلبم در مشت (باد)ی است / آهسته آهسته از گویزه می-آید و / خاکستر تن زند را با خود می-آورد و / در مقابل بینی میهن / خاکستر را فوت می-کند و / آنگاه می-گوید: یادگاری برای سروریت!» (شیرکو، ۲۰۱۲: ۳۵)

البته عنصر باد ریشه کهن الگویی دارد چنانچه از کهن الگوهایی است که ناخودآگاهی جمعی را شکل می-دهد و آن-گاه که خدایی بر قومی خشم می-گیرد، باد را به عنوان نیروی ویرانگر بر آن-ها مسلط می-سازد» (شوالیه و گربان، ۱۳۸۸، ج ۲: ۸-۶). چنانچه باد در شعر شیرکو نیز اغلب منفی و چونان عنصری مهاجم، ویران گر و ستم-کار استعمال شده است. نمادی است از عوامل غارتگر، چپاولگر و آشوبگر جامعه. ظلم و بی-عدالتی، استبداد و حاکم جفاگر که ثمره-ای جز اندوه و درد برای جامعه ندارد:

(باد)ی پیرمرد، باخرخری در گلو درمی-رسد و / سبیلش را تاب می-دهد و / در مقابلم لمحہ-ای می-ایستد و / متعجب است که از کینه-ی او باشم و به او شبیه نباشم. (شیرکو، ۲۰۱۲: ۲۳)

شایان ذکر است که بینش فردی و ابدایی شیرکو نسبت به جامعه و تأثیرات ژرف آن از حوادث و تحولات فردی و اجتماعی در ضمیر ناخودآگاه، منجر به رشد و غلبه تصاویر نمادین شخصی و خصوصی بر پیکره نمادین اشعار وی گشته است. در شرایط اجتماعی که تنها تاریکی ظلم و تجاوز و دیکتاتوری گسترده شده، بادها قاصد و پیک الهی و فریاد رسان چنین سرزمینی به شمار می-روند که خطاب به باد می گوید:

ای باد حسرت / شتاب کن... پیشم بیا. / در یک رقص جهنمی دستم بگیر و / تا سوختن آستان خدا / مرا ببر و در همانجا / با پر قلم عشقی / تک و تنها / شعله... شعله / در میان مرثیه-ی شیون / تصویر آهوپی بکش / که در مملکت چاقو / خیلی کم زیست!

(شیرکو، ۲۰۱۲: ۱۹۸-۱۹۷).

نقش مهم و محوری واژه-ی باد در سمبولیسم اجتماعی اشعار شاعران معاصر بسیار برجسته است. شیرکو به کمک تصویر نمادین باد، ادراکات و اندیشه-های سیاسی خود را سامان داده است. باد نماد همه-ی مبارزان و سلحشورانی است که ضمن حرکت و تکاپوی خود، همه مردم عادی را که در غربت به سر می برند به امید آزادی و می-دارد:

«من اکنون در بسیاری از مکانهای این سرزمین/ بی کسم و شیون و زاری می کنم. اما هربار/ (باد)ی جوان از طرف آزادی می-آید و / دست به گردنم می-اندازد و مرا می-بوسد و به من می-گوید: / غم مخور، تا به ابد اینگونه تنها نمی-مانی، غم مخور، مرا داری» (شیرکو، ۲۰۱۲: ۵۰-۵۱).

گاه باد در شعر شیرکو رمز انقلاب و گاهی اوقات، باد را نماد آزادیخواهان و حرکت-های آزادیخواهی معرفی کرده است. چنانچه در شعر زیر باد نماد زندگی، جنبش و قیام است:

ای میهن/ برای اینکه به یک میهن حقیقی تبدیل شوی/ باید از سر و گردن به پایین/ خودت، خود را باز شکافی!/ باید بارانی دگر در ضمیرت شروع به بارش کند و/ (باد)-ی دگر در تو آغاز به وزیدن نماید و/ سوختنی دگر و متفاوت/ شما را به قفنوس کوه تبدیل کند!« (شیرکو، ۲۰۱۲: ۱۷۸-۱۷۹).

و در جای دیگر با همین مفهوم نمادی روشن برای، خیزش، حرکت و انقلاب می باشد، منظور از طوفان، موج دوباره مردمی است که بعد از کشتارهای فجیع و اعدام بی رحمانه-ی رژیم بعث، دوباره به خود بیایند:

ای میهن خوابیده-ام!/ من تنت را سوزن آجین می-کنم/ تا بپاخیزی و / به سیل و طوفان تبدیل گردی،... (شیرکو، ۲۰۱۲: ۱۷۹) نکته قابل تأمل آن است که «درجه تأویل پذیری و بسیار معنایی نمادها یکسان نیست. معمولاً نمادهای ناخودآگاه و همگانی نسبت به نمادهای خودآگاه و غیرهمگانی پرمعناتر و ژرف-تر. هستند و قابلیت تأویل بیشتری دارند اما در هر صورت سمبولها شعر را عمیقتر می-کنند، دامنه می-دهند، اعتبار می-دهند و وقار می-دهند (یوشیچ، ۱۳۸۵: ۶۹).

یکی از جلوه های بدیع و شگفت انگیز شیرکو در سروده «اینک دختری میهن من است»، خروج الفاظ از دایره-ی تنگ معانی و تجلی واژگان به سان نمادهای دقیق و عمیق، تصاویری زنده و تابلوهای گویا و جذاب از وضعیت اجتماعی است. زیرا در نماد، حرکت تصویر از عینیت به ذهنیت است (نک: جورکش، ۱۳۸۳: ۲۴۸-۲۴۹). برای مثال شیرکو در آغاز از «بادی» واقعی سخن می-گوید و سپس «باد» به نمادی از اجتماع و تاریخ و دنیا و غیره بدل می-شود که این امر غلبه-ی ذهن گرایی را بر شعر شیرکو نشان می-دهد.

شب هنگام، (باد)ی غمگین/ آهسته آهسته، همچون نسیم/ بسوی گورستان بزرگ ره می-گشاید و/ یکی یکی «فراموش شدگان» آنجا را / صدا می-زند و همه را/ از خواب برمی-خیزاند و به همراه خود/ بطرف دامنه-ی تپه می-آورد و/ در راستای یک مه گل گلی/ با آنها می نشیند و/ به آرامی سرگفتگو می-گشاید: / «شما در یاد صدا فراموش شدید/ شما از یاد رنگ زایل شدید/ در یاد تاریخ انسان و/ در یاد میهن فراموش شدید» (شیرکو، ۲۰۱۲: ۱۸۷-۱۸۸).

شیرکو در سروده زیر باد را نشانه-ی تزلزل و ناامنی دانسته که بیرق و پرچم آزادمردان را سرگردان کرده است: «میهن به گردباد تبدیل شد و / دشت و کوه را بر (باد) داد و گفت: / شما تنها گروهی مفتری و کلمات راهزن هستید» (شیرکو، ۲۰۱۲: ۱۲۱).

یک بخش از ایده-های بنیادین در شعر شیرکو، دغدغه-ی سیاسی و اجتماعی اوست. شیرکو فضای خفقان حاکم بر جامعه-ی خود را که ارمغان حکومت بعث بود، در تصویر کلیدی «باد» منعکس کرده است باد در شعر شیرکو نمادی است از عوامل غارتگر، ظلم و بی عدالتی، استبداد و حاکم جفاگر که ثمره-ای جز اندوه و درد برای جامعه ندارد به تصویر کشیده شده است. در واقع شیرکو نگرشی بدبینانه و توأم با یأس و ناامیدی بر شعر او سایه افکنده است. او دردهای اجتماعی را با تمام وجودش حس می-کند. «دردهای اجتماعی، دردهایی هستند که از نابسامانی-ها و نابرابری-ها و بی-عدالتی-های اجتماعی نشأت گرفته و در طول تاریخ چون بیمار مزمنی جان و دل آزادگان

را آزرده-اند. «(صادقیان، ۱۳۷۹: ۱۵) یکی از این بی-عدالتی-ها انفال مردم به دست رژیم بعثی است.

دگرگون ساختیم باد را / آن سان که بمب-ها می خواستند / ... در بیابان فرودست / هر جا که بیزند / مشتی خاک را / باید که در کزل-های غربال / ناخن انگشتان و ذرات استخوان ساق پای کردان را / تنها / بیابند! / اما درون شعر من / مدام / در آمد و رفت و / طنین انداز است / فریاد زنان انفال دختران من است و / پایانی بر آن نیست! (شیرکو، ۱۳۸۴: ۳۷-۴۰)

شعر نمادین یا سمبولیک از جریان-های مهم شعر شیرکو بیکس می-باشد. از عوامل گرایش این شاعر به شعر نمادین و سمبولیک تغییر فضای سیاسی و اجتماعی جامعه و اختناق و خفقان شدید نظام مستبد رژیم بعث حاکم بر آن است. در واقع از هدفهای رویکرد شاعر به سمبل در شعرش، خلق بافتی مبهم و شعری عمیق، تأثیر در مخاطب و شرکت دادن او در آفرینش معنای شعر، حرکت شعر از حالت تک معنایی به سوی چندمعنایی، و واداشتن خواننده و مخاطب به درنگ و تأمل در معنا و مفهوم شعر است. زیرا «سمبل یا نماد به طبیعتش اساساً مبهم و چند پهلوی است.» (سیدحسینی، ۱۳۸۷: ۵۳۸) مهم-ترین رویداد مؤثر تاریخی دوره شاعر که بر ذهن و زبان و بیان شاعران جاری گشت، رویداد دردناک انفال است که هیچ شاعر متعهدی وجود ندارد که از کنار این رویداد جانسوز بی اعتنا گذشته باشد. شیرکو با حادثه-ی انفال، چنان پیوند شدید عاطفی برقرار می-کند که در آن حال، زبان وی از توصیف واقعیت-ها فراتر می-رود و به قلمرو تو در توی نمادها و رمزها پا می-نهد، در اشعار بالا چنان که مشاهده می شود الفاظ و عبارات تو، یعنی «دال-ها»، «مدلولهای» مختلفی پیدا می-کنند. «دال-ها» فقط یک «مدلول» معین و مشخص ندارد، بلکه به مدلول-های پرابهامی دلالت می-کنند که دریافت آنها چندان هم آسان نیست و خواننده با اندیشه و تفکر و کشف رمز و راز قراردادهای معنای آنها را درمی-یابد یا خود معنای نهایی آنها را به فعلیت می-رساند.

۲-۳-۱-۴- باران

شیرکو به واسطه بارش قطرات باران بر ظلمت-های سیاسی و اجتماعی تأکید می ورزد. باران نشانه-ای از رویش و طراوت و سرسبزی است و در ادبیات نماد زندگی دوباره و علامت حیات و نشانه-ی رحمت الهی است، اما شیرکو گاهی این واژه را معنایی عکس این مفهوم به کار برده است. در این جا واژه-ی «باران»، دیگر یک واژه-ی معمولی با بارمعنایی صوری و متداول و عام-یافته-اش نیست. باران در این شعر، از لحاظ معنا و مفهوم دگرگون شده است. این واژه از منظر سیاسی-اجتماعی در این شعر، می-تواند در تقابل با حیات و نشانه-ی رحمت الهی نمادی باشد از فضای تیره و شرایط خفقان آور و توأم با ظلم و استبداد جامعه و هر معنای دیگری در راستای آن، که با این توصیف می-توان گفت، شیرکو به خلق یک موقعیت تازه از یک عنصر طبیعی (باران) پرداخته است. گویی شیرکو همه چیز را تیره و تاریک بیند و زندگی برایش زندانی بیش نیست:

«عصبانیت-ها ابتدا در شکل / قطره-های کوچک...چکه چکه... شروع به باریدن می-کنند. هر قطره-ای / از یک بیزاری است. قطره ای از گلو / یک شعر زندانی است. دیگری از چشم / سوالی خسته است / آن دگر / از رگ و ریشه-ی گیسوی بریده برآمده / یکی دیگر از فریاد نک پستان است / یکی هم به سقف غمی / جوان، الی آخر و الی...الی... / شاید آن قطره-ها همدیگر را نشناسند / اما در نهایت همگی یک اسم / برای خود انتخاب می کنند و سیل می گردند!» (شیرکو، ۲۰۱۲: ۱۸۰-۱۸۱).

باران نشانه-ای از رویش و طراوت و سرسبزی است و در ادبیات نیز نماد زندگی دوباره و علامت حیات و نشئه-ی رحمت الهی است. شیرکو از این واژه در معنی بار مثبت آن به کار برده است و در شعر او زندگی بخش است و می-تواند به زندگی اجتماعی و سیاسی که از چشم انداز شیرکو مرده است، حیاتی دوباره ببخشد و یک زندگی پاک سیاسی و اجتماعی، عقلانی و آکنده از تفکر را زنده کند. از این رو، یکی از معانی نمادین «باران» از نگاه شیرکو انقلاب اجتماعی و بهبود وضعیت اجتماعی و سیاسی است که لازمه-ی بارش باران بر میهن می-کند: «ای میهن / برای اینکه به یک میهن حقیقی تبدیل شوی / ... باید بارانی دگر در ضمیرت شروع به بارش کند و / (باد)ی دگر در تو آغاز به

وزیدن نماید و/ سوختنی دگر و متفاوت/ شما را به ققنوس کوه تبدیل کند!» (شیرکو، ۲۰۱۲: ۱۷۸-۱۷۹).

در واقع، عشق به میهن، احساسی است که از دیرباز، در وجود هرانسانی وجود داشته است و همین احساس است که شیرکو را آرزومند بارش باران کرده است. با تأمل در سروده مذکور می-توان گفت که سبک شیرکو در سروده اینک دختری میهن من است، سمبولیسم اجتماعی است و یک بعدی بودن شعر و استفاده از سمبل-های تک معنایی از ویژگی های برجسته شعر اوست. وی مسائل اجتماعی را به مسائل معنایی و روایی تبدیل می سازد و در قالب ساختارهای کلامی و زبان-های مردمی، در برابر ساختارهای اجتماعی به واکنش می-پردازد.

۲-۳-۱-۵- جنگل

جنگل از گونه نمادهایی است که شیرکو بیکس در حکم ملت و جامعه به صورت سمبل به کار می-برد و البته « جنگل به دلیل تاریکی-اش و ریشه-ی عمیقش، نماد ناخودآگاه است» (شوالیه و گبران، ۱۳۸۸، ج ۲: ۴۵۶) و با همان برداشت و مفهوم در شعر شیکو انعکاس داشته است. جنگل از دید نمادهای اجتماعی سروده اینک دختری میهن من است، نماد جامعه اوست که دچار تاخت و تاز و استبداد و ظلم شده است:

«وقتی که میهن به جنگلهای مظلوم/ گوش فرا نمی-دارد، آنگاه سنگ و درخت به حاشا کردن/ فکر می-کنند. وقتی که میهن / چشم خود را در مقابل آنهمه لاشه-ی غدر / می بندد، دردها به بهاری قرمز می اندیشند. / وقتی که میهن از دزدها چشم پوشی می-کند، دزدها/ به دزدیدن خود میهن می اندیشند!» (شیرکو، ۲۰۱۲: ۱۶).

با این وجود می توان گفت که شیرکو با ذهنیتی منفی، جنگل را نماد جامعه-ای گرفتار ظلم و ستم و پر از هرج و مرج و تباه شده و از جامعه-ای گرفتار اختناق شدید می-داند که مردم نیز مأیوس و ناامید شده اند. از این رو، جنگل در نگاه شیرکو می-تواند نماد جامعه-ای غارت شده و گرفتار استبداد و ظلم و ستم باشد که یأس و ناامیدی بر مردم آن چیره شده است. درخور توجه است که نمادها در شعر شیرکو این قابلیت را دارند که درک خوانندگان را از مدلول-های قاموسی در نظام نخستین زبان آزاد کنند و مفاهیم و لایه-های معنایی متفاوت و گاه متضاد را برای تخیل و تعقل خوانندگان باقی بگذارد، به طوری که خواننده برای درک و فهم منطقی آنها ناگزیر است که از همه تجربه-ها و اندوخته-های ذهنی خود بهره گیرد و از طرف دیگر نمادهای منتخب از جانب شیرکو بیکس که غالباً برگرفته از پدیده-های طبیعی هستند در ترکیب با عنصر کلامی (جنگل / سیاهپوش)، شیوه-ی نمود در جمله همراه با پرداخت شاعرانه موجی از زیبایی به وجود آورده است:

این تاریخ من لاابالی است/ درشکه-ای است تا گوش اسب-هایش/ در گذشته فرو رفته است و ... ککش هم نمی-گزد! عشق همه پرنده هایش را/ در هوایی خفه و ، وفای همه زنانش را در جنگلی سیاهپوش جا گذاشته است (شیرکو، ۲۰۱۲: ۸۴-۸۵).

۲-۳-۱-۶- شب

شب به عنوان یکی از عناصر طبیعی و پربسامدترین عنصری است که در شعر شیرکو کاربردی سمبولیک یافته است. در رویکرد جدید شیرکو بیکس شب از منظر سیاسی-اجتماعی می-تواند در تقابل با صبح آزادی و عدالت گستری نمادی باشد از خفقان و فضای تیره و شبگون حاکم بر جامعه-ی زمان بعث، جامعه ای که در خاموشی و سکوتی سرد به سر می برد. با این توصیف می-توان گفت شاعر به خلق موقعیتی تازه از عنصر طبیعی پرداخته است. شب تداعی کننده-ی فضایی تنگ و تاریک و خفقان آور است که بر جامعه-ی عصر شاعر خیمه زده است. شب به عنوان یک پدیده-ی طبیعی و آن شرایط اجتماعی است که رمز و سمبل اوضاع اجتماعی ناخوشایندی قرار دارد که نظامی ستمگر بر آن فرمان می-راند. این عنصر در شعر زیر بوکاسا (مظهر ناامیدی)، تبر (مظهر مرگ) و قمه-ی دیجور (مظهر ظلم و

ستمی) است که بر پیکره‌ی جامعه وارد شده است و به این طریق سیمای میهن را به تصویر می‌کشد:

غروب که این میهن را می‌بینی / خود را چون گاندی می‌نمایاند / شبها هم بوکاسا است و / بامداد یک صوفی نورانی و / عصر هنگام لباس بارق و حجاج / بر تن دارد! / در روز او درخت شعر است و / شبها تبر / در روز او اشعه آفتاب است و / شبها قمه‌ی دیجور! (شیرکو، ۲۰۱۲: ۱۵۸-۱۵۹).

در شرایطی که صداقت و یکرنگی در میان مردم کمرنگ شده، شیرکو به دنبال یافتن راهی برای آگاه و بیدارکردن انسانهاست و این نکته را برای ما آشکار می‌سازد که وی به عنوان شاعر رسالت بزرگی را به عهده دارد که همان هدایت و راهبری مردم عصر و زمانه‌ی خویش است. شیرکو به واسطه‌ی سمبل شب «جامعه‌ای که نظامی جابر بر آن حکومت می‌کند و حقایق را از مردم پنهان می‌کند شرایطی همانند شب دارد» (پورنامداریان، ۱۳۷۴: ۱۶۱). شاعر در شعر زیر با استفاده‌ی نمادین از دو ترکیب «سایه درد» و «شب بیداری» از فضای سرد و بی‌روح و تاریک محیط و اجتماع خویش اینگونه شکوه سری می‌دهد:

آنچه که هر روز پیش من / کوتاه و کوتاه‌تر می‌شود، همانا زندگی است / هر آنچه نیز مدام طویل و طویل‌تر می‌گردد / سایه‌ی درد و شب بیداری غمهاست. (شیرکو، ۲۰۱۲: ۱۳).

واژه شب، با مفاهیم نمادین خود که در دایره‌ای از مؤلفه‌های منفی محصور است، در شعر شیرکو بسیار به کار رفته و از بسامد بالایی برخوردار است. شب به عنوان یک پدیده‌ی طبیعی و آن شرایط اجتماعی است که می‌توان شب را رمز و سمبل اوضاع اجتماعی ناخوشایندی قرار داد که نظامی ستمگر بر آن فرمان می‌راند (پورنامداریان، ۱۳۷۴: ۱۶۱). این واژه در حوزه‌ی زبان رمزی شیرکو، مظهر شرایط سیاسی آزادی ستیز و اوضاع اجتماعی توأم با ظلم و خفقان ناشی از آن است:

این / نه هذیان شعر است و / نه توهم دیده گان رویا و / نه تار و پودهای فانتزی خیال! / «توپز آوا» / نخستین سرد سیر قیبله‌ی مرگ! / نخستین ایستگاه طنین گوش خراش بوف آهنین با شی ظلمت! (شیرکو، ۲۰۱۲: ۲۵-۲۶)

واژه‌ی شب مفهومی چون فقدان روشنایی و تاریکی را در ذهن شاعر متبادر می‌کند که در شعر کاربردی سمبلیک پیدا کرده و نمادی از ناامیدی، سیاهی و فضای خفقان‌آور جامعه است:

باز می‌رسم به تاریکی و نداری و / محوطه‌ی خانه‌مان / من خود روز بودم / اما مرا از شب بیانباشند / .. مرا به تاریخی فرسوده سوارم کردند / نیام و شمشیری / نگار بسته به دستم دادند و / مرا به قلعه‌ی اشباح گذشته‌ام باز گردانیدند. (شیرکو، ۲۰۱۲: ۲۱-۲۲)

بنابراین در این سطرها، تکیه بر واژه «شب» و کلماتی که بار معنایی سنگین و خشن دارند چون: تاریکی، نداری، تاریخی فرسوده، نیام و شمشیر و قلعه‌ی اشباح همه و همه درصدد تثبیت و القای معنای شب در ذهن مخاطبند که تصویر سمبلیک جامعه‌ای با اوضاع سیاسی نامطلوب است که تمام خصوصیات تاریکی و شب را در معنای مجازی به آن نسبت داد.

۲-۳-۱-۷- فصل

به سبب شیوه‌ی نگرش خاص شاعران در طول زمان، عناصر طبیعت هر یک مفهوم نمادین یافته اند. اکثر شاعران کرد در دوران بعث و پیش از آن، نمی‌توانستند حرف خود را مستقیم و به صراحت بیان کنند، از این رو، به نماد متوسل می‌شدند. شیرکو به سبب مقتضیات زمانی و مکانی گاهی امکان صراحت بیان نداشته و به همین جهت برای ترسیم احوال درونی خویش یا اوضاع جامعه از فصل‌های سال به ویژه عنصر پاییز کمک می‌گیرد و آرمان‌های خود را با بهره‌گیری از این عنصر طبیعی و استفاده از زبانی نمادین مطرح می‌کند و این عنصر طبیعی را که نمادی از ناامیدی و درد و رنج ملت است، به خواننده تفهیم می‌کند و خواننده به خوبی از ورای تصویر پاییز در شعر زیر منظور نویسنده و سیمای جامعه را درک می‌کند:

«تو ای میهن! ای مردی که از قله-ی بلند/ غرور تارک سرت به دون دست خود/ می-نگری و حتی یک بار از مرکب فرود نمی-آیی/ به داخل ازدحام زخم و پاییز این همه دردهای منتظر!» (شیرکو، ۲۰۱۲: ۹۸).

البته شایان تأمل است که این نگاه شیرکو به طبیعت، نگاهی سمبلیک است که به زیبایی از طبیعت تأثیر پذیرفته و سمبله‌ایش را از عناصر طبیعت، بدون هرگونه دل زدگی ناشی از ابتذال، گرفته و در راستای منفعت جامعه، از آن بهره برده است. «این پیوند سیاست و طبیعت به حادثه، اهمیتی خارق العاده می دهد و آن را از محدودیت زمان و مکان می-رهاند» (کریمی حکام، ۱۳۸۴: ۱۴۷) بهار که سمبل آزادی و پیروزی است در جامعه-ی آشفته و نابسامان شاعر که غفلت و بی خبری در آن موج می-زند و کسی به فکر تغییر وضعیت نیست، تهی است:

اسم من بهار است و به تو شبیهم/ مثل هم جوان هستیم و مثل هم/ به گلهای آینده تبسم می-کنیم!/ اما افسوس/ مثل هم و باهم/ در میهن تهی، تهی شده می-میریم! (شیرکو، ۲۰۱۲: ۶۳)

وقتی که میهن چشم خود در مقابل آنهمه لاشه غدر می بندد، دردها به بهاری قرمز می اندیشند.

۲-۳-۲- عناصر جانوری

شیرکو برای آگاهی دادن جامعه و ترسیم اوضاع جامعه و تشریح حالات درونی خود، از عناصر متعددی از جمله عناصر جانوری مدد می-گیرد تا بتواند آن عناصر را بستری مناسب برای سخنان رمزآلود خود قرار دهد. شیرکو برای بیان بسیاری از مسائل و موضوعاتی که قصد دارد به صورت نمادین بدان پردازد، با در نظر گرفتن ویژگی-های مختلف جانوران از آن-ها در قالب بیانی نمادین برای القای معنای متعدد بهره برده است.

۲-۳-۲-۱- اسب

اسب از برداشت شیرکو نماد آگاهان سردرگمی است که اوضاع نابسامان جامعه آنان را سردرگم کرده و آرامش را از آنان گرفته است. دل آگاهانی که از تلاش بیهوده برای جامعه خسته شده-اند و نمادی از اهل کرکوک که با بیانی سمبلیک و رمزگونه به طرح ژرف ترین لایه-های روحی خود و اجتماع خویش، یعنی ناامیدی از بهبود شرایط می پردازد:

«من کره اسبی بیکار و / اهل کرکوکم/ فرزند نفت و گاز و فرزند آنهمه لوله و چاه نفتم/ اما آنچه اتفاقی و به ندرت می-بینم آن پدران است/ بهمین دلیل همواره در چرخشم/ از همه کس بیشتر میهن را می-بینم/ اما، افسوس/ همه-ی شیهه و غرشهایم بر باد شدند و / تمامی سمکوبهایم از بین رفتند و / این میهن مقدس مرا نشیند!» (شیرکو، ۲۰۱۲: ۴۰-۴۱).

شیرکو به خوبی توانسته است اندیشه-ی ادراک درونی، تصورات شخصی و عوطف خویش را نسبت به دغدغه-های اجتماعی و سیاسی، در تصویرهای بالا متمرکز کند و به آنها جهت دهد. زیرا «کار نماد تثبیت و سازماندهی به ادراک و احساسات پراکنده-ی فردی یا اجتماعی است» (فتوحی، ۱۳۸۹: ۱۸۳). وی از شاخص-ترین چهره-ی شعر معاصر است که شکست-های سیاسی و اجتماعی عمیق ترین تأثیر را در اندیشه و شعر او برجای نهاده است. در یک نگاه کلی به شعر او می-توان گفت که شکست و نومیدی، مضمون و ذهنیت واحدی به بسیاری از سروده هایش بخشیده است، حالتی که از یک خشم و خروش نومیدانه به سوی یک شکوی می رود و در لابه لای آن حسرت-ها، دریغ-ها، نومیدی-ها و آرزوهای خود را با طنینی غم آلود بر زبان می-آورد.

۲-۲-۳-۲- بلب

شیرکو از بلب در قالب سمبولیک بهره برده است که قابل تأویل به مفاهیم سیاسی-اجتماعی است. این عنصر جانوری، نمودی از آزادی و امیدواری است. شاعر اجتماع را چون درختی با شاخه-های خشکیده می-بیند اما در اینجا شاعر با نشستن بلبی بر روی شاخه درخت که مایه سرسبزی آن شاخه شده است، گویی می خواهد شعله-ای از امید را در دل مخاطب روشن کند و او را به تعبیری هر چند کوچک در این جامعه-ی آفت زده امیدوار کند:

«درختی دیدم/ تمام شاخه-هایش خشک و / تنها یکی از شاخه-هایش سبز بود/ گفتم: این چگونه است؟! / گفت: دیر زمانی بود عاشق صدای / بلبی بر شانه-ی خود بودم و / شاخه-های دیگر از نبود عشق/ خشک شدند، اما من قلبم را بدست / عشقی سبز سپردم و زنده ماندم» (شیرکو، ۲۰۱۲: ۲۱۲-۲۱۳).

بلب در شعر زیر نماد آزادی خواهانیست که از وطن کوچ کرده اند و همواره به فکر رهایی از اوضاع نامساعد و خفقان-بار حاکم بر جامعه-اند که همچون قفسی تنگ آنان را در برگرفته است:

«یک بلب آواره-ی خارجه/ فرزند ترانه-ای شهید، ترانه-ای از یاد رفته/ پس از چندین سال به شهر برگشت.../ خواست بر سر مزار پدر برود و به همراه گریه/ بسیار بسیار برایش بخواند. اما هر چند جستجو کرد و / پرسش نمود و پیش میهن رفت و پیش / سرودها، ولی قبر پدر نازنین نیافت./ تا اینکه روزی از تراکم غصه، او هم بر گوری/ ناشناخته، ناکام بمرد!» (شیرکو، ۲۰۱۲: ۱۴۵).

درخور توجه است؛ از آنجایی که نمادها حاصل دریافت-ها و تجربیات شخصی شاعران-اند، در عین حال هم، نمادها مانعی هستند بر سر راه مخاطبان سطحی-نگر تا نتوانند به سهولت به این ساحت وارد شوند و «هر کسی در آن چیزی می بیند که قدرت باصره-اش اجازه-ی مشاهده آن را می-دهد» (احمدی، ۱۳۷۰: ۲۹۳). زیرا شعرهای نمادین، تأمل برانگیز، تأویل پذیر و گاه چندوجهی هستند و همین تأویل-هاست که ارزش و اعتبار و ماندگاری شعر نمادین را تضمین می-کند. از این رو، نمادها، گستره-ی مفهوم وسیعی را دربرمی-گیرند که شاید، هیچ یک از آن-ها مفهوم و معنای موردنظر شاعر نباشند، اما با این وجود، به دلیل قابلیت تأویل پذیری بی حد و حصرشان، می توانند بسیاری از مفاهیم ذکر شده را بپذیرند.

۲-۲-۳-۲- خروس

خروس در ترکیب ذهنی شیرکو نماد آزادی خواهان و مبارزانی است که سالیان سال، در حالیکه قیام-ها و جنبش-های انقلابی-شان به ثمر نشسته است، همواره به باد فراموشی سپرده شده اند و همه-ی رنج و مشقتشان نادیده گرفته شد و در عوض کسانی دیگر که هیچ نقشی در جنبش ها و قیام-های خونین نداشته-اند، حال به رفاه و آسایش رسیده-اند و همین اشخاص هم هستند که همواره در پی آزار و سرکوب آن-ها هستند.

«اسم من خروس است و اهل ملکندی هستم/ چندین سال است نگاهبانم و بامدادان/ برای این محله می-خوانم. در پروسه-ی/ جنبش هم پیک بودم و چندین نامه-ی / سری را از اینجا تا غارها رساندم/ اما اکنون صدایم گرفته. یک طوطی/ دکتر بمن گفت در گلویت غده-ای بوجود آمده/ علاجت در جارجیه است. من هم چندین / شکایت نامه به دست خروس-های بزرگ رساندم/ اما عجیب اینجاست که همان دکتر طوطی/ بمن گفت: ای بینوا، تو انگار از هیچ چیز/ خبر نداری؟ چند روز قبل بجای تو/ مرغی/ صحیح و سالم و قشنگ را به خارج فرستادند» (شیرکو، ۲۰۱۲: ۱۷۴-۱۷۵).

گرایش شیرکو به بیان نمادین، علاوه بر اوضاع استبدادی و خفقان و عدم آزادی بیان، نتیجه-ی سعی او برای خلق ابهام و در نهایت غنی کردن جوهر ادبی کلام است؛ به همین سبب خواننده-ی شعر او، جهت نیل به زیر ساخت معنایی نماد، ناگزیر است که از

۲-۳-۲-۴- کبوتر

بلبل در شعر شیرکو، به دلیل دید اجتماعی، اندیشه-ی سیاسی و نگرش خاص او، کارکردی جدید می-یابد که از بینش سیاسی شیرکو مایه گرفته است که البته در اساطیر هم «کبوتر ماده به خاطر لطف، زیبایی و سپیدی، نماد پاکی، صفا و سادگی است» (اسماعیل پور، ۱۳۷۷: ۲۱) و از آنجایی که «کبوتر پرندۀ ای است بی-نهایت اجتماعی که همواره بر ارزش-های مثبت نمادگرایی آن تأکید شده است» (شوالیه و گرابران، ۱۳۸۸: ۴/۵۲۶-۵۲۷) اما این پرندۀ رمز عدم اجتماعی بودن آن در جامعه-ی شیرکو قلمداد شده است: «اسم من کبوتر چاهی است و دخترم/ خانه-ام در محله-ی مناره است/ من از پر و بال خود و از منقار و / از خانه و محله و / از همه چیز خود بیزارم! / من بغبوی حرام داخل دین و میهنم» (شیرکو، ۲۰۱۲: ۷۰-۷۱).

و کبوتر که همواره رمز صلح بوده در فضاسازی شیرکو در جستجوی آزادی است: «من اجازه ندارم دور از این مناره پرواز بکنم! / من اجازه ندارم دور از صدای منار/ به صدایی دیگر گوش فرا دهم!» (شیرکو، ۲۰۱۲: ۷۱)

۲-۳-۲-۵- کرکس

از جمله پرندگانی که در شعر شیرکو دارای چهره-ای مذموم و زشت و نکوهیده می-باشد، «کرکس» است. این پرندۀ در اشعار شیرکو، نماد انسان-های پست و فرومایه و ذلیل است. نماد ظالمان و قدرتمندانی است که همواره ضعیفان و ناتوانان را طعمه-ی مطامع و جاه-طلبی-های خود قرار می-دهند.

«اهل کوره-کاژاو هستم/ خودم و مادرم و پدرم و خواهرانم/ شب و روز ابریشم تولید می-کنیم/ اما رنج به باد رفته هستیم/ کرکس لاشخور این منطقه/ به همراه جمعی زاغچه-ی پلیس/ هر چه تولید کرده-ایم، بسته بندی می-کنند و / زیر بغل می-زنند و با خود می-برند!» (شیرکو، ۲۰۱۲: ۱۷۶)

لاشخور پرندۀ ای است که از مردار تغذیه می-کند و در این شعر می-تواند تضادی از افراد حقیر و پستی باشد که برای سیر کردن شکم خود به هر حقارت و رذالتی تن می دهند. از این رو، شعر شیرکو در بیدارسازی و آگاه سازی مردم در تحولات اجتماعی و سیاسی سهمی بسزا دارد زیرا تابع زمینه اجتماعی جامعه-شناسی خاصی است که با زندگی شاعر و خالق اثر پیوند می خورد.

۲-۳-۲-۶- کرم ابریشم

شیرکو از کرم ابریشم در قالب سمبولیک بهره برده است که قابل تلویل سیاسی و اجتماعی است. کرم ابریشم نماد یا رمز هر روشنفکر و مبارز انقلابی-ای باشد که به وطن و جامعه-ی خود دلبستگی دارد و نمی-تواند از آن دل بکند و در حالی که بر فضای جامعه اختناق و استبداد شدید حاکم است و مردم جامعه نیز مأیوس و ناامید شده-اند. از این-رو، نماد مردمان زحمت کش و رنج دیده-ای هستند که همه رنج های آنها به باد رفته است:

«اسم من کرم ابریشم است/ اهل کوره-کاژاو هستم/ خودم و مادرم و پدرم و خواهرانم/ شب و روز ابریشم تولید می-کنیم/ اما رنج بباد رفته هستیم/ کرکس لاشخور این منطقه/ به همراه جمعی زاغچه-ی پلیس/ هر چه تولید کرده-ایم، بسته بندی می-کنند و / زیر بغل می-زنند و با خود می-برند!» (شیرکو، ۲۰۱۲: ۱۷۶).

در واقع شیرکو با بهره-گیری از تصویر نمادین کرم ابریشم و رسیدن به سمبلسیم اجتماعی، درصدد است آلام و آمل-هایی را که در ضمیر او و شهروندان متعهد و جامعه-گرای او رسوب کرده، در تصویرگری نمادین متجلی کند. انگیزه و هدف این نمادهای جانوری، این است که مخاطب همان احساسی را تجربه کند که بر شاعر چیره شده است و از طریق این تصویرهای عینی و مادی که با حالات درونی او همخوانی دارد، یعنی حسی که خود از او برخوردار است، به مخاطب القا کند و یا حس را در درون مخاطب برانگیزد.

۲-۳-۷- لاک پشت

شیرکو به کمک نمادی بیرونی و عینی که با احساس درونی و ضمیر بیدار او همخوانی دارد، احساس و عاطفه-ای را که بر او چیره شده، به مخاطب القا می-کند. شیرکو احساس نگرانی و ناامیدی از اوضاع اجتماعی و اختناق سیاسی عصر خود را در تصویری نمادین از «لاک پشت»، تداوم استبداد و ستم بیرونی را به مخاطب القا می کند. چنانچه لاک پشت نماد جامعه-ای ستم دیده است که امیدی به رهایی از این وضعیت ندارد و حتی کوچکترین فروغی از آزادی بر این سرزمین نتابیده است.

اسم من لاک پشت است/ اکنون چندین سال است در کنار/ این دریاچه حمالی می-کنم/ آن سوراخ هم خانه-ی من است/ اما دیروز چندپای میهن پیدا شدند/ اخمو و عصبانی/ با تک پا تا آن پایین مرا بردند/ به من گفتند: بخاطر منفعت آب و آن کوهها/ بخاطر مصلحت، هما و باز و / آن همه گوزنها/ باید از اینجا بروند در اولین فرصت/ این منطقه را تخلیه نمایند. (شیرکو، ۲۰۱۲: ۳۰-۳۱)

شیرکو سعی ندارد خواننده را در لذت-جویی-های فردی و یا اندوه-های ساختگی خود شریک سازد بلکه درصدد آن است خواننده را با رویدادهای عصر خود آشنا کند و او را در سطحی بالاتر از آن قرار دهد. زیرا جریان سمبولیسم اجتماعی هم با احساس خواننده سروکار دارد و هم با ادراک و اندیشه-ی او در تماس است وی می خواهد خواننده همه چیز را ببیند و حس کند (زرین کوب، ۱۳۵۸: ۱۲۴-۱۳۲) و پی به واقعیت برد:

«ای تاریخ ورم کرده/ به هوای غرور کوه و دره/ افتخار آماسیده در پیکر/ افسانه و داستان و دروغ... توجه داری؟!... ای تاریخ تنبل همیشه خوابیده/ ای خمیازه-ی جهان و / ای لاک پشت زمان!» (شیرکو، ۲۰۱۲: ۸۶).

همانطور که ملاحظه می-شود شیرکو با توجه به بیان نمادین خود بر آن است تا از بیان مستقیم مفاهیم مورد نظر خویش اجتناب کند و برای این منظور، نمادها را که گنگ و بی-کرانه-اند و ساحت تأویل-پذیری وسیع و گسترده-ای دارند، برمی-گزیند؛ به این دلیل که قابلیت مفهوم پذیری نمادها تا بدان حد است که شاعر می-تواند دنیایی از مفاهیم نامحدود را در قالب واژگان و عناصری محدود (نمادها) بر خواننده-ی خویش عرضه کند و تصویری دنیای ماورایی و واقعیت-های برتر ذهنی را به نمایش بگذارد. به بیانی ساده-تر «شعر نمادین بر آن است تا «ایده» را در لباس شکل حسی ارائه کند» (ولک، ۱۳۷۳: ۲۵۸). از این رو، شیرکو از ظرفیت-های نهفته در کلمات، در راستای ساخت نماد، بهره-ی فراوانی برده است.

۲-۳-۳- عناصر غیرجاندار

نمادپردازی یکی از عمیق-ترین و زیباترین شیوه-هایی است که شیرکو به کمک آن احساسات، عقاید، اندیشه و خیال خود را به صورت هنر می آفریند. شیرکو از شاعرانی است که دغدغه-های انسانی، اجتماعی و سیاسی برخوردار است. او به وطن و مردم خویش حس تعهد و مسئولیتی خاصی دارد و در اشعارش این احساس را به خواننده منتقل می-کند. او آرمان-های خویش را با بهره-گیری از عناصر غیر طبیعی با استفاده از زبانی نمادین مطرح می-کند و از عشق، انسانیت، آزادی و ظلم سنتیزی سخن می-گوید و برای آگاهی دادن به جامعه و ترسیم اوضاع جامعه و تشریح حالات درونی خود، از عناصر غیر طبیعی مدد می گیرد تا بتواند آن عناصر را بستری مناسب برای سخنان

رمزآلود خود قرار دهد که به هریک از این عناصر پرداخته می-شود:

۲-۳-۱- پنجره

پنجره به عنوان منفذی به هوا و نور، نماد پذیرندگی، نور، شفافیت، زلالی و پاکی، دریافت-های زیبا و روشن و ... است. (شوالیه و گبران، ۱۳۸۸: ج ۱: ۲۵۶). اما نماد پنجره با پیوند به مسائل اجتماعی جامعه-اش، نماد نسبتاً نامطلوب و ناخوشایند شاعر است. زیرا شرایط ناهموار سیاسی و نواست اجتماعی اقلیم کردستان شعر شیرکو را از حیطة-ی فردیت خارج ساخته و به شکلی خاص با آرمان-های اجتماعی پیوند می-دهد. آرمان-های آزادی خواهانه-ی انسانی در چارچوب سمبل پنجره با بار مفاهیم اجتماعی بیان می گردد. از این روست که جبر شرایط سیاسی و اجتماعی در شعر وی به تولید سمبل پنجره منجر می-شود که چشم انداز و دیدگاه جامعه-ی روشنفکران نسبت به مسایل سیاسی- اجتماعی جامعه است:

«در این هنگام/ سیمای میهن من/ به سیمای پنجره-ای چرکین مانده است/ که مدام بسته باشد و/ عبوس و افسرده، سالی یکبار هم نخندد» (شیرکو، ۱۲: ۶۷).

همانطور که ملاحظه می شود تصویر نمادین سیمای میهن به پنجره-ی چرکین گرایش شدیدی به عینیت بخشیدن به بن-مایه-های اجتماعی دارد و از این منظر، قلمرو معنایی تصویرهای نمادین او، انسانی- اجتماعی است. نمادهای او، تصویری از احساسات و عواطف و تجربه-های شیرکو است که در جاناش رسوب کرده است و با توجه به زمان شاعر و فضای اختناق حاکم بر جامعه و مسولیت و تعهدش در قبال جامعه، این ساختار از تصویر میهن به پنجره-ی چرکین، یکی از تئوری-های اساسی و بخش گسترده-ای از تصویرهای شعری او را تشکیل می-دهد.

۲-۳-۲- دیوار

«دیوار سمبل محرومیت، محدودیت، درماندگی و اسارت است» (پورنامداریان و خسروی، ۱۳۸۷: ۱۵۴) و همچنین «دیوار حاکی از احساسات و عواطف شدید ناشی از اسارت-های آزادی-ستیز است» (همان: ۱۵۵) از آنجایی که «سمبلها در شعر باید تناسب قطع نشدنی، معین و حساب شده با هدف-های خود داشته باشند» (یوشیچ، ۱۳۸۵: ۱۷۳) از این رو، کاربرد و اشاره به دیوار در جایگاه نمادسازی و نمادپردازی در سروده اینک دختری میهن من است که در واقع سمبل محرومیت، محدودیت، درماندگی و اسارت است، نشان از توان هنری شیرکو در ارائه هر چه بهتر معنویات ذهنی-اش به اندیشه-ی مخاطبان دارد که با هدف-های معین و حساب شده در راستای به تصویر کشیدن اوضاع اجتماعی و سیاسی از دیوار به عنوان سمبلی که حاکی از احساسات و عواطف شدید ناشی از اسارت-های آزادی-ستیز است، در معرض دید خواننده قرار می-دهد:

اسم من دیوار است/ در خیابان عمومی قرار دارم و/ به درازای بیزاری درازم و/ به بلندای عصبانیت هم بلندم!/ هرچه پوستر است به من چسبانده می شود/ از صد شعار یکی پیدا نمی شود/ چیزی به من بیاموزد!/ از صد پوستر یکی پیدا نمی-شود/ دلم را شاد گرداند!/ همین دیروز بود/ از سر انگشت تا پایم/ شعاری به من آویزان کردند/ وقتی خواندمش/ از شرم خجلت زده شدم/ که من دیواری کشوری باشم/ دروغ گنده و بزرگ این چنینی/ به آن بیاویزند! (شیرکو، ۲۰۱۲: ۷۹-۸۰)

با این وجود می-توان گفت که دیوار در ذهن و ضمیر شیرکو ناخوشایند است زیرا از جدایی حکایت می-کند، از قطع رابطه، دوری و ... از همین روی، در شعر شیرکو، سمبلی است که حاکی از احساسات و عواطف شدید ناشی از اسارت-های آزادی ستیز شاعر است و شعر شیرکو رنگ اجتماعی دارد و آرزوهای خشکیده ملت مظلوم کرد در آن پیداست.

عنصر «رنگ از عناصر مهم زیباشناسی در شعر به شمار می-رود» (محمود خلیل، ۱۹۹۶: ۱۹۳) و به خصوص «شعر معاصر تا حد زیادی امکان استفاده از واژگان حسی و به خصوص رنگ-ها را هم در معنای اصلی خود و هم در معنای ثانویه و رمزگونه فراهم کرده است» (کوبین، ۱۹۸۵: ۲۴۰) رنگ ها در شعر شیرکو بیکس، نه تنها پدیده-ای طبیعی، بلکه کاربردی نمادین دارد. شیرکو با تصویرسازی-های ادبی به وسیله-ی رنگ، نقش مهمی در القای مفاهیم مختلف به مخاطب دارد، از این رو، تفسیر و تحلیل کارکرد نمادین رنگ در آثار شیرکو، می-تواند مخاطب را با جهان فکری آن-ها آشنا سازد. در این میان رنگ سرخ، سیاه، آبی به خاطر اوضاع سیاسی و اجتماعی در شعر شیرکو حضور برجسته-ای دارد. رنگ سبز، رنگ زندگی و حرکت است. رنگ بهار و طبیعت، سرسبزی، جوانی و نشاط است (عمر، ۱۹۹۷: ۲۱۰) که شیرکو غالباً این رنگ را در معنای حقیقی استفاده کرده است:

«درختی دیدم/ تمام شاخه-هایش خشک و/ تنها یکی از شاخه-هایش سبز بود/ گفتم: این چگونه است؟! گفت: دیر زمانی بود عاشق صدای/ بلبل بر شانه-ی خود بودم و/ شاخه-های دیگر از نبود عشق/ خشک شدند/ اما من قلبم را بدست / عشقی سبز سپردم و زنده ماندم» (شیرکو، ۲۰۱۲: ۲۱۳-۲۱۲).

صفات اصلی رنگ زرد عبارتند از: روشنی، بازتاب، کیفیت درخشان و شادمانی زود گذر، زرد نماینگر توسعه طلبی از بلامانع، سهل گرفتن یا تسکین خاطر است و نقطه-ی مقابل سبز است (لوشر، ۱۳۶۹: ۹۰). این رنگ دو معنایی است؛ زیرا یک بار به خشکی و قحطی دلالت می کند و بار دیگر به برداشت و درو و محصول و به رنگ خورشید- که منشا رزق و روزی است- نزدیک است (محمد حمدان، ۲۰۰۸: ۳۷). شیرکو در اثر اینک دختری میهن من است از رنگ زرد کارکرد منفی آن را در نظر داشته است، چنانکه گفته-اند زرد گویای رشک، خیانت، یلس، ناامیدی .. است (نک: نیکوبخت و قاسم زاده، ۱۳۸۴: ۲۱۹) و اغلب این رنگ در مقابل رنگ سبز به کار رفته است: «این میهن / همانند تو، ای جوان خیابان سهول/ ترانه-های سبز ما را نیز زرد نمود!/ همچون چشم تو/ چشم برگهای مرا نیز تاریکتر کرد!» (شیرکو، ۲۰۱۲: ۶۴-۶۵).

رنگ سرخ از الوانی است که نقش مهمی در القای مفاهیم به خصوص در دیوان شیرکو به مخاطب دارد. قرمز یعنی محرک برای پیروزی، در دیوان شیرکو حول محور عشق، خون و اعتراض می-چرخد:

وقتی که میهن چشم خود در مقابل آنهمه لاشه غدر می بندد، دردها بهاری قرمز می اندیشند (شیرکو، ۲۰۱۲: ۱۶).

سیاه تیره-ترین رنگ و نمایانگر رمز مطلق است که در فراسوی آن زندگی متوقف می-گردد، لذا بیانگر پوچی و نابودی است (لوشر، ۱۳۶۹: ۹۷). این رنگ در دیوان شیرکو دلالت بر حزن و اندوه دارد و شاعر در اینجا با دلالت لفظ «جنگل» بر سیاهی، دلالت منفی رنگ سیاه به معنای مصیبت و تلخی را مراد قرار می-دهد و سعی در نشان دادن تاریخ ملت خویش در مسیر بیداری مردم در معرض دید قرار می-دهد:

این تاریخ من لاابالی است/ عشق همه پرنده هایش را/ در هوایی خفه و/ وفای همه زنانش را در جنگلی سیاهپوش جا گذاشته است. (شیرکو، ۲۰۱۲: ۸۴-۸۵).

رنگ-ها در آشکارکردن جنبه-های تجربه-ی شاعران از شاعری به شاعر دیگر متفاوت است، و آن رنگ فقط رنگی که به چشم بیاید نیست بلکه مرتبط با خاطره-های تلخ و شیرین آن شاعر است، از این رو از رنگ-ها یک قانون رمز گونه-ای خاص ساخته می-شود که خواه در تعارض با ویژگی آن باشد یا با آن شباهت داشته باشد (یوسف، ۲۰۰۹: ۲۵۸). البته بجاست که به این نکته اشاره شود که رویکرد شیرکو بیکس به کاربرد حس آمیزی که خود یکی از گرایش-های سمبولیست-ها است، به وفور در اشعارش دیده می-شود که به دلیل از اطلاع-ی کلام تنها جهت نمونه به مواردی اشاره می شود:

۲-۳-۳-۴- قلم

۲-۳-۳-۵- کرسی

گۆفاریکی، زانستی، ئەکادیمیە زانکۆی هەڵەبجە دەری دەکات

ترکیباتی هستند که شاعر به کار گرفته تا یأس آلود بودن محیط زندگی و خفقان استبدادی را که در فضای اطراف خود حس می-کند به تصویر بکشد:

اسم من کرسی است/ هیچ کس نداند، من می-دانم/ آنهمه چاقوی غدر/ آنهمه جویبار خوناود/ آنهمه ماسک دزدی/ آنهمه تنفر سیاه/ بخاطر دستیابی به من است و/ بخاطر رسیدن به من، روی می دهند!/ اما نمیگویند، هیچ کدام اعتراف نمی کنند/ که به خاطر رسیدن به من است! همه می-گویند بخاطر چشم و قامت آزادی است!/ بخاطر شیر کودکان است!/ بخاطر آب و ... برای نان است/ بخاطر گل و ... آشیان گنجشک و/ بخاطر شپنخون نابهنگام/ گرگ های دوروبر است/ اما نمی گویند/ کسی نمی گوید / بخاطر من و رسیدن به من است!

(شیرکو، ۲۰۱۲: ۴۵-۴۷)

واقع بینی شیرکو در راستای مخاطب محوری و جامعه گرایی او با سمبولیسم وی، نسبت و پیوند ساختاری و محتوایی یافته-اند. از این رو، می توان ادعا کرد که شعر نمادین شیرکو شعری اجتماعی و همه جانبه-ای است که نگرشی واقع بینانه به هنر و ادبیات وارد کرده است و گستره-ی نمادهای او را به وسعت رخدادهای اجتماعی افزوده است. بسیاری از نمادهایی که در این مرحله در جهان ذهنی شیرکو ساخته می شوند، از طبیعت بی جان گرفته شده و با توجه به مقاطعی خاص از تاریخ که از شرایط سیاسی-اجتماعی نشأت می گیرد، بیان می-شوند. با این وجود می-توان گفت که دامنه-ی تأویل نماد در شعر شیرکو به مقتضای زمان و مکان و مخاطب، معانی متعددی می-پذیرد که اغلب به سمت و سوی ایدئولوژی و سیاست و اجتماع انسانی گسترده می-شود و نمادپردازی اجتماعی به صورت وسیع در آثار او مشاهده می-شود.

نمودار (۱): سمبول-های اجتماعی در سروده (اینک دختری میهن من است)

نماد	واژه	مفهوم نمادین
عناصر طبیعی	ابر	ابر بیانگر حسرت‌ها و مصیبت‌ها و ناکامی‌های روزگاران
	آفتاب	نماد حیات و ندا دهنده‌ی امیدواری و دلنوازی
	باد	نمادی است از عوامل غارتگر، ظلم و بی عدالتی، استبداد و حاکم جفاگر
	باران	نمادی از فضای تیره و شرایط خفقان آور و توأم با ظلم و استبداد جامعه.
	جنگل	جامعه‌ای گرفتار ظلم و ستم و پر از هرج و مرج و تباه شده
	شب	- شب تداعی کننده‌ی فضایی تنگ و تاریک و خفقان آور است که بر جامعه‌ی عصر شاعر خیمه زده - نمادی از ناامیدی، سیاهی و فضای خفقان آور جامعه
	فصل	پاییز نمادی از ناامیدی و درد و رنج ملت
	بهار	جامعه‌ی آشفته و نابسامان شاعر و نمادی از غفلت و بی خبری
عناصر جانوری	اسب	نماد آگاهان سردرگمی است که اوضاع نابسامان جامعه آنان را سردرگم کرده و آرامش را از آنان گرفته است.
	بلبل	نماد آزادی خواهانی که از وطن کوچ کرده اند و نمادی از آزادی و امیدواری
	خروس	نماد آزادی خواهان و مبارزانی است که همواره به باد فراموشی سپرده شده اند (ناعدالتی و پرخاشگری)
	کبوتر	رمز عدم اجتماعی بودن آن، در جستجوی آزادی
	کرکس	نماد ظالمان و قدرتمندانی که همواره ضعفا و ناتوان را طعمه‌ی مطامع و جاه‌طلبی‌های خود قرار می‌دهند.
	کرم ابریشم	مردمان رنج دیده و رنج بر باد رفته
	لاک پشت	نماد جامعه‌ای ستم دیده است که امیدی به رهایی از این وضعیت ندارد و حتی کوچکترین فروغی از آزادی بر این سرزمین نتابیده است.
عناصر غیرجانوری	کرسی	دغدغه‌های انسان سیاسی معاصر جهت رسیدن به کرسی در راستای مصلحت شخصی
	دیوار	سمبل محرومیت، محدودیت، درماندگی و اسارت
	قلم	عدم آزادی بیان
	پنجره	جبر شرایط سیاسی و اجتماعی در شعر از دیدگاه جامعه‌ی روشنفکران
	سبز	زندگی و حرکت، سرسبزی و نشاط
	سرخ	خون و اعتراض
	سیاه	تنفر و مصیبت
	زرد	یاس، ناامیدی
	رنگ	

در بررسی و مطالعه-ی سروده-ی مورد بحث از منظر سمبولیسم و تصاویر برخاسته از این مکتب ادبی، نتایج زیر حاصل شد:

(۱) سروده اینک دختری مین من است یکی از سروده-هایی است که شاعر وضعیت نابسامان عصر خود را در هاله-ای از سمبلیک نشان می-دهد. نمادهای اجتماعی مطرح در این شعر، به عنوان یکی از عوامل گسترش دهنده-ی معنایی، صراحت گفتار شاعر را با هدفی تعیین شده به سمت نوعی ابهام شاعرانه سوق می دهد. این اثر یکی از بهترین نمونه های سروده های سمبلیک شیرکو می-باشد که آمیزه-ی هنری از یأس و ناامیدی شاعر از بهبود فضای سیاسی جامعه است.

(۲) شیرکو در بطن این اثر خویش، به هویتی مشخص و ممتاز می رسد، هویتی که در متن آن انسان، اجتماع و سرنوشت او قرار دارد. عناصر، نشانه-ها و واژگان شیرکو، اغلب در متن سروده مذکور، خود را با هویتی سمبولیک به ظهور می-رساند و امکان تأویل و برداشت سمبولیک را برای مخاطبان به وجود می-آورد. کلمات و نشانه-های موجود در آن، ضمن داشتن معنای قراردادی خود، راه به مفاهیم و معانی دیگری می-برند. این ویژگی از اساسی ترین کارکردهای سمبول در شعر است که هم موجب توسعه-ی قلمرو معنایی و عاطفی واژگان شعر می-شود هم امکان ترسیم امور ناشناخته و عواطف غیرقابل توصیف را برای شاعر فراهم می-آورد.

(۳) شیرکو یکی از نمادپردازان سیاسی-اجتماعی شعر معاصر است که نوعی روح تعهد و التزام به مسائل سیاسی-اجتماعی زمینه اصلی شعرهای او را عواطف ناشی از تأثیرات اجتماعی رقم می-زند. اغلب اشعار او برگرفته از دردهای مردم و فضای مسلط بر جامعه است. ایدئولوژی در این سروده با زبانی سمبلیک و مغتنی ضمنی در موجی از تصویرسازی شاعرانه صورت گرفته است.

(۴) جریان سمبولیسم اجتماعی در شعر شیرکو از یک طرف هم با احساس خواننده سر و کار دارد و هم با ادراک و اندیشه او در تماس است و قصد دارد خواننده چشم و گوش خود را باز کند و همه چیز را ببیند و حس کند و از طرف دیگر، مهم-ترین انگیزه-ی او از روی آوردن به نماد، خلق ابهام و غنی کردن جنبه-های ادبی آثار هنری است.

(۵) شیرکو با زبان سمبولیک و زبان شعری مبهم و پیچیده و تاویل-بردار، به دنبال داشتن پیغام و پیام برای مخاطبان خویش است و در برابر مسائل و مفاهیم سیاسی و اجتماعی و آرمانها، آرزوها و درد و دریغ-های انسانی خود را متعهد و مسئول می داند و جامعه گرایی از ویژگی-های محوری و بنیادی آن است و این سروده علاوه بر دار بودن ارزش ادبی، در زمینه-ی اجتماعی نیز موقعیت برجسته-ای دارد و نویسنده-ی آن با مهارتی خاص و منحصر به فرد توانسته است بر بسیاری از معایب و معضلات جامعه انگشت گذارد.

(۶) در شعر شیرکو طبیعت و پدیده-های طبیعی می-تواند جانشین معنی شود. شعر اینک دختری نیستیمان من است توصیف عشق دختری به نام زورنا است که شیرکو به این شعر بعد سیاسی و اجتماعی می بخشد تا آنجا که جامعه-گرایی و نمادگرایی دو ویژگی اساسی شیرکو در سروده اینک دختری میهن من است می باشد. شیرکو با زبانی سمبلیک و تأویل بردار، مسایل سیاسی-اجتماعی زمانه-ی خویش را متعهدانه و ملتزمانه در شعر منعکس می-کند و استفاده از نمادهای طبیعی و متناسب شعر وی را طبیعی و عمیق می-سازد.

(۷) شیرکو از سمبل-ها برای بیان افکار و عقاید خود در خصوص مسائل سیاسی و اجتماعی و اعتراض به وضع موجود، استفاده کرده است. وی این واژگان را از بستر محدود معنای قاموسی خود جدا ساخته و به صورت تصویر نمادین درآورده، تا آنجا که مفاهیم و تصاویر متنوع و عمیقی را در برابر دیدگان مخاطب قرار داد. نو اندیشی، خلاقیت، عادت-شکنی-های جسورانه، داشتن نگاهی تازه به برخی از این پدیده-های نمادین از ویژگی-های نمادپردازی شیرکو است.

(۸) شب یک پدیده طبیعی است اما مفهوم آن بسیار فراتر از مصداق آن است. چنانچه نمادی کانونی و محوری در سروده شیرکو است. در آثار شیرکو نشانه-ها و تداعی-های مربوط به شب-آشکار و نهان-بار منفی به خود گرفته است.

*کتابنامه فارسی

- ۱) احمدی، بابک (۱۳۷۰)، ساختار و تأویل متن، چاپ اول، تهران: مرکز.
- ۲) اسماعیل پور (۱۳۷۷). اسطوره، بیان نمادین. تهران: انتشارات سروش.
- ۳) امامی، نصرالله (۱۳۷۷)، مبانی و روش-های نقد ادبی، چاپ اول، تهران: جامی.
- ۴) انوشه، حسن (۱۳۷۶). فرهنگ نامه-ی ادب فارسی، ج ۲، چاپ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- ۵) پورنامداریان تقی و محمد خسروی شکیب (۱۳۸۷). دگردیسی نمادها در شعر معاصر. فصلنامه-ی پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره (۱۱) ص ۱۴۷-۱۶۲.
- ۶) پورنامداریان، تقی (۱۳۷۴)، رمز و داستانهای رمزی در ادب پارسی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۷) جورکش، شاپور (۱۳۸۳)، بوطیقای شعر نو، تهران: ققنوس.
- ۸) جدویک، چارلز (۱۳۷۵)، سمبولیسم، ترجمه-ی مهدی سحابی، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
- ۹) حسین پور جافی، علی (۱۳۸۴). جریانهای شعری معاصر فارسی، تهران: امیرکبیر.
- ۱۰) داد، سیم (۱۳۷۵). فرهنگ اصطلاحات ادبی، چاپ دوم، تهران: مروارید.
- ۱۱) زرقانی، سیدمهدی (۱۳۸۳). چشم انداز شعر معاصر ایران، تهران: نشر ثالث.
- ۱۲) زرین کوب، حمید (۱۳۵۸)، چشم انداز نو شعر فارسی، چاپ اول، تهران: انتشارات توس.
- ۱۳) سیدحسینی، رضا (۱۳۸۷)، مکتب های ادبی، جلد ۲، تهران: زمان.
- ۱۴) بیکیس، شیرکو (۲۰۱۲)، اینک دختری میهن من است، ترجمه سیامه-ند شاسواری، سلیمانی: انتشارات سردم.
- ۱۵) بیکیس، شیرکو (۱۳۸۴)، گورستان چراغان، برگردان از رضا کریم مجاور، تهران: انتشارات پویان (فرنگار).
- ۱۶) شوالیه، ژان و آلن گرابران (۱۳۸۸). فرهنگ نمادها، ترجمه- سودابه فضایی، چاپ دوم، تهران: نشر جیحون.
- ۱۷) صادقیان، محمد علی (۱۳۷۹). طراز سخن در معانی و بیان، تهران: انتشارات علمی دانشگاه آزاد.
- ۱۹) فتوحی، محمود (۱۳۸۹)، بلاغت تصویر، چاپ دوم، تهران: سخن.
- ۲۰) فرای، نورترپ (۱۳۶۳). تخیل فرهیخته، ترجمه-ی سعید ارباب شیروانی، چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۲۱) کریمی حکاک، احمد (۱۳۸۴). طلعه-ی تجدد در شعر فارسی، ترجمه مسعود جعفری، تهران: مروارید.
- ۲۳) لوشر، ماکس (۱۳۶۹)، روانشناسی رنگ-ها، ترجمه ویدا ابی زاده، چاپ اول، تهران: نشر درس.
- ۲۴) نیکوبخت، ناصر و سیدعلی قاسم زاده (۱۳۸۴)، زمینه-های نمادین رنگ در شعر معاصر، مجله زبان و ادب فارسی، ش ۲۳، صص ۲۰۹-۲۳۸.
- ۲۵) نیما، یوشیج (۱۳۸۵) حرف-های همسایه، به کوشش سیروس طاهباز، تهران: نگاه.
- ۲۶) ولک، رنه (۱۳۷۳)، تاریخ نقد جدید، ترجمه-ی سعید ارباب شیرانی، ج ۴، تهران: نیلوفر.

*کتابنامه عربی

- ۱) یوسف، جمال حسنی (۲۰۰۹)، صورة النار فی الشعر المعاصر مصادرها-دلالاتها-ملاحها الفنية، دارالعلم و الإيمان، دسوق: دار العلم و الإيمان.
- ۲) محمود خلیل، احمد (۱۹۹۶)، فی النقد الجمالی، دمشق: دارالفکر المعاصر.
- ۳) محمد حمدان، أحمد عبد الله (۲۰۰۸)، "دلالات الألوان فی شعر نزار قبانی"، رسالة ماجستير، جامعة النجاح الوطنية فی نابلس، فلسطين، صص ۱-۲۰۸.
- ۴) کوین، جون (۱۹۸۵)، بناء اللغة الشعر، ترجمه احمد درویش، الطبعة الاولى، القاهرة، نمته الزهراء.
- ۵) عمر، احمد مختار (۱۹۹۷)، الدلالات النفسية و الاجتماعية، الطبعة الثانية، القاهرة: عالم الكتب.